

کردهای مقیم مرکز و انقلاب

بهزاد خوشحالی

bkhoshhali@yahoo.com

پیش گفتار

هدف از گرد آوری این مجموعه، آشنایی با یکی از پراهمیت ترین دوره های تاریخ کردستان و ایران است. خوانندگان این مجموعه با بسیاری از رویدادها و شخصیت های آن دوران آشنایی دارند، اما آشنایی با اندیشه های آنان در همان عصر، و جایگاه اندیشه ورز ایشان از زبان خود آنها بسی جالب تر می نماید. سرزمین کردستان در آن دوران، روزگار نگرانی های سیاسی و اضطراب های اجتماعی از یک سو و کشاکش های مسلکی از سوی دیگر بوده است، عصری که یکی از پرتلاطم ترین دوره ها در تاریخ نوین ایران و دوره ای است که انقلاب ایران به بار نشست، دوران بی ثبات گذار را پشت سر نهاد و دوره ای ناآرامی کردستان را تجربه کرد.

مجموعه ای حاضر، سرگذشت چگونه اندیشیدن و چه کردن، چگونه تلقی کردن و چگونه پنداشتن، چگونه تاثیرگذاران و چگونه تاثیر پذیرفتن، و چه بودن ها و چه شدن ها در این دوران سرکش است.

شاید اندیشه نگاری نسلی از بزرگترین معماران تاریخ معاصر پس از انقلاب، آن هم از زبان همین معماران، آسان ترین راه برای درک واقعیات آن دوران باشد... تاریخ خود را تکرار می کند و چون حالت های کنونی چیزی جز بازگشت به حالت های گذشته نیستند، به همین خاطر، آگاهی از تحولات گوناگون و پیاپی گذشته، کلید ورود به دنیای آینده خواهد بود... فراموش نکنیم: تاریخ کتابی است که ما می نویسیم و خود نیز در آن نگاشته می شویم... این مجموعه از مطبوعات ایران در سال های ۵۷ و ۵۸ و ۵۹ استخراج شده است.

ورود هیاتی از مرکز

هیاتی که سرپرستی حضرت آیت الله طالقانی و مرکب از آیت الله دکتر بهشتی، حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، دکتر احمد صدر حاج سید جوادی وزیر کشور و ابوالحسن بنی صدر به سنندج آمده بود، در ساعت ۹ شب به این شهر وارد شد و در محل دانشکده تربیت دبیر سنندج مستقر شد. "بهر روز سلیمانی" یکی از مبارزین سرشناس کرد خطاب به وزیر کشور گفت اگر می خواهید علت واقعه را پیدا کنید این نیست که حجت الاسلام صفدری و رفقایش مردم را به گلوله بستند یا مهمات ارتش را به قم بردند و یا سیلوها را خالی کردند و این هم نیست که مردم پادگان را محاصره کردند و یا با هلیکوپتر و توپ مردم را به گلوله بستند بلکه علت اصلی این است که این مردم برای خودش مساله ای دارد و برای مخدوش کردن آن باید توطئه چینی کرد. به هر شکلی باید توطئه از یک جایی پا بگیرد. ما یک قطعه نامه ۸ ماده ای برای خودمختاری کردستان عنوان کرده ایم. وقتی ۳۰ هزار نفر به پشتیبانی از آن راهپیمایی کردند همین رادیوی انقلابی گفت: تجزیه طلبها راهپیمایی کردند

رژیم سابق هر وقت حق را می‌گفتیم ما را خرابکار و عمال خارج می‌نامیدند و حالا هم همینطور آیا تغییر رژیم نباید حداقل با تغییر ظاهر تبلیغات روبرو باشد. ما را در ایامی که بزرگترین عید ملی مان در جریان بود کوبیدند و به آتش‌بسی که اعلام شد توجیهی نکردند. حقیقت این است که چون مردم می‌بینند که زبان طرفشان اسلحه است آنها هم اسلحه می‌خواهند ما چطور با تعویض یک فرمانده باور کنیم که ماهیت ارتش عوض شده است. دولت بازرگان باید جوابگو باشد. باید دید چه کسی حجت الاسلام صفدری را فرمانده و دستوردهنده لشکر کردستان نمود؟ در این موقع سرهنگ صفدری فرمانده لشکر ۲۸ کردستان که در این چند روز تحت نظر شورای انقلاب سنندج بود ضمن توضیحاتی در مورد چگونگی انتصاب خود به فرماندهی لشکر ۲۸ گفت: درست است که من یک کرد نیستم اما همیشه از اینکه کردستان از جانب سه استعمار خارجی، دولت مرکزی و خوانهای منطقه مورد ستم قرار می‌گرفت رنج می‌بردم. در چند روز خدمتم، در این شهر از اوضاع و احوال استنباطها و پیش‌بینی‌هایی کردم که به کمیته امداد و ستاد ارتش گزارش کردم. من زود فهمیدم که کمیته‌های سنندج تجزیه شده‌اند. این تجزیه برای من ناگوار بود. بارها در خدمت شیخ عزالدین رهبر سیاسی و مذهبی کردها در این مورد سخن گفتم و ابراز نگرانی نمودم. سعی کردم اختلاف این دو کمیته که آقایان مفتی‌زاده و صفدری در راس آن بودند برطرف کنم. به آقای مفتی‌زاده گفتم از نفاق افکنی دست بردارید کسی را نامسلمان نخوانید و متهم به گرایش‌های نکیست‌ها را یکی بدانید اما کسی گوش نکرد چه اشکالی داشت که از جوانان روشنفکر که در این شهر به خاطر مردم شب و روز فکر می‌کنند و برای آزادی آنها تلاش می‌کنند و در کمیته‌ها استفاده می‌شود، چرا این کار را نکردند؟ در این موقع آقای احمد صدر حاج سید جوادی وزیر کشور پیرامون مسائل کردستان شروع به صحبت کرد اما هنوز چند جمله بیشتر نگفته بود که صدای گوش‌خراش هواپیماهای جت که از ارتفاع کم بر فراز سنندج پرواز می‌کردند و مانور می‌دادند، سخنان او را قطع کرد. این موضوع دوبار تکرار شد. که حاج سید جوادی که خود از این موضوع سخت ناراحت شده بود گفت: با صداقت می‌گویم که دولت بازرگان به هیچ‌وجه از متن و دل توطئه مطلع نبوده و وضع پیش آمده به گوش دولت نرسیده است و ایرادی به دولت بازرگان نیست. دولت قدرت کافی ندارد تا کارها را آنطور که دلش می‌خواهد انجام دهد و این دست الهی است که کشور را نگه داشته است. وزیر کشور بخاطر مانور هواپیماها و سر و صدای زیاد آنها به سخنانش ادامه نداد و در این موقع صارم‌الدین صادق‌وزیری عضو هیات مدیره‌ی کانون وکلای ایران و نماینده اعزامی کردهای مقیم مرکز با دادن تذکری به دولت شروع به صحبت کرد و گفت: میهن پرستی به دسته خاصی منحصر نیست. کسی میهن پرست است که با چنگ و دندان سرزمینش را برای فرزندان حفظ کند نه آنانکه میهن‌شان در جیب‌شان است و هرکس خواست فرار کند من این تذکر را روزی به دولت ازهارای دادم و متاسفم که امروز باید به دولت بازرگان بدهم. صادق‌وزیری سپس ضمن اعتراض به پرواز هواپیماها با وجود حضور نمایندگان امام خمینی در کردستان گفت: مردم به همه چیز با سوءظن ۲۵۰۰ ساله می‌نگرند و فقط عمل است که نشان می‌دهد یک دولت با دولت‌های دیگر فرق دارد هر مساله‌ای که در کردستان مطرح می‌شود فوراً کردها را متهم به دست‌نشاندهی می‌کنند. این اتهام کثیفی است باید حقیقت

را از نزدیک دید. می بینید که این حوادث در اثر اختلافات دو کمیته انقلابی که در سندج فعالیت داشته‌اند بوجود آمد و نیروهای سیاسی دخالت نداشتند و فقط دچار عواقب آن شدند. عنوان حمله به پادگان سرهم بندی قضیه است، باید دید چه کسانی این حمله را انجام داده‌اند و دایره اختلاف را دامن زده‌اند. باید دید چه کسانی موجبات تبلیغ و حمله افراد نظامی به مردم بیگناه را دامن زده‌اند. در پایان این جلسه خواسته‌های نمایندگان کرد در شش مورد اعلام شد که آزادی کلیه گروگانها، تعقیب و مجازات فرماندهان ارتجاعی، تضمین امنیت جانی و شغلی نظامیان کرد، نظارت شورای انقلابی شهر بر پادگان و اداره مشترک پادگانهای کردستان وسیله نظامیان انقلابی و رزمندگان کرد، تعقیب و مجازات حجت الاسلام صفدری، جلوگیری از اعمال استبدادی و ضد کردی در شهر ارومیه و بالاخره لغو سانسور فرهنگی و سیاسی در رادیو و تلویزیون کردستان اهم آنها بود. (کیهان ۱۳۵۸/۱/۷)

کردهای مقیم مرکز: تجزیه طلبی توطئه ضد انقلاب است. جمعیت کردهای مقیم مرکز در پنجمین گردهم آئی این گروه که در دانشگاه صنعتی برگزار شد ضمن تایید قطعنامه ۸ ماده‌ای که توسط نمایندگان مردم کردستان به هیات اعزامی از تهران تشکیل شده بود، شایعه تجزیه طلبی کردها را به شدت محکوم کردند. در این جلسه که با شرکت بیش از سه هزار تن از کردهای مقیم مرکز تشکیل شده بود یکی از حاضرین گفت: کردستان ایران یکی از فعالترین کانونهای انقلاب کنونی ایران بوده است و میدانیم که خلق مرد علاوه رنج کشیدن از ظلم و بیدادی که بر سراسر کشور حکمفرما بود مورد ظلم خاص دیگری که سنم ملی است قرار گرفته است. مبارزات خلق کرد در جریان انقلاب متوجه رفع هر دو نوع ظلم و استبداد می‌باشد. از طرف دیگر مطابق اصول دموکراسی و منشور ملل متحد و اعلامیه حقوق بشر هر ملتی خود باید سرنوشت خویش را تعیین کند و این امر خلاف اسلام هم نیست. پس از آن جمعیت حاضر نسبت به قطعنامه ای که در آن رهبری آیت الله شیخ عزالدین حسینی امام جمعه مهاباد به عنوان نماینده رسمی خلق کرد و انتخاب صادم الدین صادق وزیري به عنوان نماینده جمعیت کردهای مقیم مرکز مطرح شده بود رای موافق دادند. در این جلسه نماینده گروهی از دانشجویان و محصلین مقیم مرکز اظهار داشت از آنجائیکه بزرگترین سهم را در این انقلاب جوانان برعهده داشته‌اند و از آنجائی که اعتقاد داریم جمعیتی می‌تواند انقلابی باشد که دانشجویان، محصلین و کلاً جوانان مستقل در آن فعالیت داشته باشند پیشنهاد می‌کنم که در شورا و هیات اجرائی جمعیت کردهای مقیم مرکز باید از هر شهرستان حداقل یک نماینده از بین دانشجویان انتخاب شود. ضمناً جمعیت حاضر از مهندس بازرگان خواستند تا موقعیت و پایگاه خود را در قبال خواست‌های خلق کرد رسماً از رادیو و تلویزیون اعلام کند. (کیهان ۱۳۵۷/۱۲/۱۳)

جمعیت کردهای مقیم مرکز: یک عمل جنایت آمیز جمعیت کردهای مقیم مرکز از نخست وزیر خواست با اعزام یک هیات بی طرف به کردستان که صادم الدین صادق وزیري نماینده کردهای مقیم مرکز نیز عضو آن باشد، ریشه اختلافها را تشخیص دهد و در رفع سوء تفاهمها و درگیریها بکوشد. جمعیت کردهای مقیم مرکز تیراندازی از هلی کوپتر بسوی مردم را عملی جنایت آمیز دانست که حتی دولت نظامی ازهارى نیز از دست زدن به آن بیم داشت. جمعیت از دولت انقلابی بازرگان خواسته است که در

مورد کردستان انقلابی عمل کند و نگذارد عوامل ارتجاعی و طرفداران بازگشت رژیم شاه در کردستان فتنه‌گری کنند و خواست بحق این منطقه را به بهانه تجزیه طلبی سرکوب نمایند. (کیهان ۱۳۵۷/۱۲/۲۹)

نماینده جمعیت کردهای مقیم مرکز:
کردها به آیت الله طالقانی اعتماد مطلق دارند.

صارم الدین صادق وزیر عضو هیات رئیسه کانون وکلا و نماینده اعزامی جمعیت کردهای مقیم مرکز به سنندج دیروز در يك گفتگوی اختصاصی با کیهان از تلاشهای حضرت آیت الله طالقانی برای بازگرداندن آرامش به سنندج و حسن نیت وزیر کشور و هیئت روحانی همراه آیت الله طالقانی ستایش کرد.

صادق وزیر در این گفتگو اعلام داشت: سفر حضرت آیت الله طالقانی طبق درخواست و تأکید جمعیت کردهای مقیم مرکز هم که هزاران کرد را در بر می‌گیرد بود به علت مسایلی که وجود داشت رفتن ایشان به سنندج ضروری بوده است.

صادق وزیر گفت: علاوه بر این يك هیات دیگر از جمعیت کردهای مقیم مرکز در حضور حضرت آیت الله طالقانی به سنندج رفتند. ۵ نفر از اعضای این هیئت روز سه شنبه ۲۹ اسفند به حضور ایشان رسیدند و موکداً از محضر شان تقاضا کردند که قبول زحمت بفرمایند و به سنندج تشریف ببرند. بدیهی است هیات روحانیت با توجه به ترکیب اعضای آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود و این هیئت با اینکه پس از قطعی شدن اعزام هیئت دولتی شکل گرفت مقدمات سفر آن زودتر فراهم شد.

صادق وزیر اضافه کرد:

من با هواپیمائی که قرار بود وزیر کشور و همراهان ایشان را به سنندج ببرد حرکت کردم این هواپیما بجای اینکه بسنندج برود ما را به کرمانشاه و پایگاه هوانیروز برد. در آنجا بخوبی احساس میشد که جو غالب بر فضا مایل نبود که ما زودتر به سنندج برویم، ولی اصرار زیاد من که هیئت هر چه زودتر باید بسنندج برسد موجب شد که تقریباً پس از دو ساعت انتظار بطرف سنندج حرکت کنیم.

باید یاد آور کنم که وزیر کشور نیز شخصاً مایل بودند که ما زودتر به سنندج وارد شویم.

صادق وزیر در مورد نتایج رفتن دو هیئت به سنندج گفت:

نتایج اعزام این دو هیئت در مجموع بسیار مثبت بود البته به نظر من بیان این نکته معطوف به نتایج رسمی اعزام این هیئت نیست بلکه بیشتر از این نظر است که به آقایان اعضای هیئت‌های روحانی و دولتی امکان داد که از نزدیک با حقایق اوضاع آشنا شوند و از طرف دیگر به مردم کردستان و نمایندگان آنان نیز فرصت داد که از نزدیک با نمایندگان قدرتهای حاکم در عرصه سیاست مملکت پس از پیروزی انقلاب آشنائی پیدا کنند. مأموریت هیئت در ایجاد آرامش نیز موفقیت آمیز بود. اگر تدارک دقیق تری برای نحوه پذیرایی هیات‌ها بخصوص هیئت روحانی داده میشد آثار سفر هیئت بسیار مثبت تر بود. همچنین مکانیسم ارتباط با مرکز و اجرای تصمیمات هیئت‌ها اگر دقیقاً تنظیم میشد نتایج کار هیئت‌ها را بسیار بارورتر میکرد زیرا تقریباً از ظهر روز دوم فروردین هیئت‌های دولتی و روحانی باین نتیجه رسیده بودند که میبایست زندانیان و یا باصطلاح محلی اسرا آزاد شوند و در این باره نیز اقدام کردند ولی همانطور که میدانیم تا

ساعت ۷ بامداد روز پنجم فروردین آزادی زندانیان عملی نشد! اگر این زندانیان مقارن ورود هیات یا همان روز دوم فروردین آزاد میشدند هیئت‌ها فرصت داشتند در محیط آرام و خالی از سوء تفاهم با بسیاری از مسائل دیگر از نزدیک بخوبی آشنا شوند. و ازدحام کسان زندانیان در برابر جایگاه اقامت هیات روحانی خودبخود از بین می‌رفت چیزی که موجب شده بود مقدار زیادی سخت‌گیری برای ایجاد ارتباط با هیات بطور قهری ایجاد شود و این عامل تقریباً باعث شد که ارتباط هیات روحانی با مردم تقریباً از کانال مشخص برقرار گردد که این خود برای توفیق هیات عامل منفی بود.

مردم کردستان عموماً نسبت به حضرت آیت‌الله العظمی طالقانی اعتماد مطلق ابراز میکردند و این اعتماد مطلق عملاً تا پایان مأموریت هیات نیز باقی بود و نمونه آن را من در مذاکرات روز چهارم فروردین که منتهی به توافق در باره تشکیل کمیته موقت پنج نفری گردید بچشم خود دیدم که نمایندگان تمام نیروهای سیاسی فعال موافقت کردند که نفر پنجم از هیات پنج نفری را حضرت آیت‌الله العظمی طالقانی انتخاب کنند و با وجود اینکه نسبت به نامزد اعلام شده از طرف معظم له قضاوت قبلی مشخصی داشتند صرفاً بدان تذکر آنهم بصورت خصوصی اکتفا کردند. صادق وزیري اضافه کرد:

در باره نتایج تحقیقات باید بگویم که علت اصلی وقایعی که در سنندج روی داد و بیک فاجعه تبدیل گردید بطور عمده مربوط به شکل بندی و عملکرد ارگانی بود که پس از پیروزی انقلاب تحت نام (ستاد عملیاتی انقلاب اسلامی در کردستان) به تنها نیروی حاکم در شهر تبدیل شده بود. برخورد با این واقعیت برای اعضای هیات روحانی میتواند در سطح مملکت و در رابطه با ماهیت کمیته‌ها و طرز عملکرد آنها آموزنده باشد. نکته دیگر اینکه هیات اعزامی روحانیت به کردستان نمونه یک ترکیب قوی از نزدیکان امام خمینی بود. رهبری عملی هیئت را آیت‌الله بهشتی بعهده داشتند ایشان بنظر من شخصیتی قوی برخوردار از خونسردی، تسلط کامل بر خود، خویشترن داری، هوش و نکته‌سنجی شایان توجه هستند که در عین حال واجد قدرت اداره جلسات گفت و شنود میباشند. بطوریکه بسهولت میتوانند بحث و گفتگو را در مجرای مورد نظرشان سوق دهند همچنین ایشان از قدرت حافظه شایان برخوردار می‌باشند. (کیهان ۱۰/۱/۱۳۵۸)

قطعه‌نامه / اجتماع کردهای مقیم مرکز

برای اعتراض به فاجعه سنندج ساعت ۱۵ روز پنجشنبه گذشته یک اجتماع چند هزار نفری از کردهای مقیم مرکزی در دانشگاه صنعتی تهران تشکیل شد. در دست اجتماع کنندگان شعارهایی بود که به زبان فارسی و کردی نوشته شده بود و شعارهایی که به زبان جاری می‌شد به این شرح بود.

خلق کرد پیروز است ارتجاع نابود است.

ترکمن پیروز است ارتجاع نابود است.

اتحاد ضرورت انقلاب

در این اجتماع ابتدا صارم الدین صادق وزیري نماینده کردهای مقیم مرکز سخن گفت؛ و ضمن محکوم کردن کشتار مردم و واقعه ننگین کردستان اعلام نمود آزادی در حکومت اسلامی از جمله مفاهیم کلی است که بایستی در نظر گرفته شود امر همه ما کردها یک امر خودمختاری یا دمکراسی است و این خود مختاری مفهوم حقوقی و سیاسی دارد ما انتظار داشتیم که قبل از فرماندم

تکلیف ما روشن شود. کار ما يك کار سياسي توضیحي است. ما باید به همه مردم بگویم خودمختاری؛ یعنی برای کردستان از دموکراسی در سراسر ایران جدا نیست. در طول چندین سال ما را به اتهام تجزیه طلبی خفه کردند. آنچه مهم است این است که افراد ساده لوح را باید توجیه کرد. تفرقه افکنی بعنوان مذهبی و غیر مذهبی خیانت است. ما همه کرد هستیم و در يك امري قرار گرفته ایم که امر برحق ماست و آن خودمختاری است. سپس یکی دیگر از نمایندگان کرد به زبان کردی سخنانی ایراد داشت و بعد قطعنامه گردهمایی توسط یکی از خانمهای کرد قرائت شد.

متن قطعنامه به این شرح است:

جمعیت کردهای مقیم تهران در جلسه ۹ فروردین ۵۸ خود پس از استماع گزارش هیاتی که در رابطه با ماجرای فاجعه سنندج به آن شهر رفته بودند بخصوص گزارش مستدل نماینده اعزامی جمعیت به کردستان ابراز نهایت تاسف و انزجار از اعمال وحشیانه دژخیمان و عوامل واقعی ضد انقلاب تجزیه طلبی و ضد انقلابی موجبات کشتار فجیعی را در سنندج فراهم کرده و بیش از ۱۰۰ تن کشته و صدها تن را زخمی کرده‌اند. قطعنامه زیر را به اتفاق آراء تصویب و اجرای مصوبه آنرا از دولت خواستارند:

۱ - ما مجازات صفدری روحانی نمای جنایتکار را که عامل ومحرك اصلي این کشتار بوده و تمام همدستان و مسبب این واقعه خونین ارا از دولت خواستاریم.

۲ - طبق شواهد و قرائن سرلشکر قرنی در طراحی این توطئه خائانه مداخله داشته و دستورکشتار، مردم بیگناه سنندج را با هلی کوپترها و خمپاره اندازه‌های ارتشی داده. برکناری او بهیچ وجه کافی نیست لذا خواستار بررسی بیشتر واقعه و معرفی کلیه عاملین و مجازات آنها می باشند.

۳ - ما ضمن تأیید مجدد رهبری آیت الله سید عزالدین حسینی برای مذاکرات هیاتهای نمایندگی کرد با مقامات رسمی هر نوع سخن تفرقه افکنی افراد فاقد صلاحیت را شدیداً محکوم می کنیم و اعلام میداریم مردم کردستان مدعیان رهبری مذهبی را چون مفتی زاده طرد و محکوم می کنند.

۴ - ما با ابراز همدردی با خانواده‌های برادر ترکمنی که عزیزان خود را از دست داده اند پشتیبانی خود را از خواسته‌های برحق خلق برادر ترکمن در مطالبه حق تعیین سرنوشت بطور قاطع اعلام میداریم و جنایتهای توطئه گران ضد انقلابی را محکوم می کنیم.

۵ - ما روش یکطرفه و مغرضانه رادیو و تلویزیون را در رابطه با فاجعه سنندج شدیداً محکوم نموده و آن را اهانت به خلق کرد می دانیم و خواستار رسیدگی فوری به این جریان هستیم.

پس از پایان قرائت قطعنامه جمعیت حاضر در دانشگاه با هم يك سرود به زبان کردی خواندند.

يك ساعت قبل از این اجتماع يك راهپیمایی و اجتماع در زمین چمن دانشگاه تهران برپا شد که شرکت کنندگان در آن سپس به دانشگاه صنعتی آمدند. (اطلاعات ۱۱/۱/۱۳۵۸)

اعضای شورای جمعیت کردهای مقیم مرکز انتخاب شدند.
تظاهرات کردها در دانشگاه تهران

پنجشنبه گذشته جمعیت کردهای مقیم مرکزی طی یک گرد همایی در دانشگاه صنعتی تهران اعضای شورای این جمعیت را انتخاب کردند در این جلسه که نمایندگان شهرهای مختلف کردستان حضور داشتند نمایندگان ۱۷ شهرستان کردنشین انتخاب شدند.

همچنین دیروز در یک گردهمایی در دانشگاه تهران یکی از کردهای مقیم مرکز در باره ی ریشه حوادث سنندج سخن گفت، وی دلیل گسترش حوادث سنندج را تحریک فرصت طلبان بیگانه اعلام کرد و همچنین بریشتیانی از احمد مفتی زاده رهبر سیاسی و مذهبی کردستان تأکید کرد.

این گردهمایی با تظاهراتی توأم بود که در آن چند هزار تن از دانش آموزان دبیرستان‌های مختلف تهران شرکت کرده بودند. در این گردهمایی چند نفر دیگر نیز در باره ی لزوم وحدت و تقویت جمهوری اسلامی و ضرورت هشیاری نیروهای انقلابی سخن گفتند. (اطلاعات ۱۴/۱/۱۳۵۸)

قطعه نامه کردهای مقیم مرکز

همچنین گروهی از کردهای مقیم مرکز، بعد از ظهر پنجشنبه در دانشگاه صنعتی گرد آمدند و کشتار مردم سنندج را محکوم کردند. در این گردهمایی صارم الدین صادق وزیر نماینده کردهای مقیم مرکز سخن گفت و سپس یک قطعه نامه ۵ ماده ای خوانده شد. در این قطعه نامه آمده بود ما مجازات صفدری را از دولت خواستاریم، تنها برکناری تیمسار قره نی، به دلیل جنایتی که کرده است به هیچوجه کافی نیست، خواستار بررسی بیشتر واقعه و معرفی عاملین و جازات آنها میباشیم، ما ضمن تأیید مجدد رهبری آیت الله سید عزالدین حسینی برای مذاکرات هیات‌های نمایندگی کرد با مقامات رسمی، هر نوع تفرقه افکنی افراد فاقد صلاحیت را شدیداً محکوم می کنیم و اعلام می‌داریم مردم کردستان رهبری مذهبی مدعیان را طرد و محکوم می کنند.

(کیهان ۱۵/۱/۱۳۵۸)

وجود تحریکات

سخنگوی جمعیت کردهای مقیم مرکز در گفتگویی با کیهان معلق ماندن شمارش آراء را ناشی از بعضی تحریکات توصیف کرد. این سخنگو ضمن تشریح نحوه اعتراضات بعضی گروهها به انتخابات و غیر دمکراتیک خواندن اینگونه اعتراضها از دولت خواسته بود تا باستاندار کردستان تأکید کند که مرعوب روشهای غیر دمکراتیک نشود و با قرائت و رسیدگی جداگانه و دقیق به اعتراضات تصمیم قانونی و مطابق موازین دمکراسی بگیرد. (کیهان ۲۶/۱/۱۳۵۸)

قطعه نامه گردهمایی جمعیت کردهای مقیم مرکز

در گردهمایی جمعیت کردهای مقیم مرکز به تاریخ ۱۳۵۸/۱/۲۳ پس از بحث و بررسی مسائل سیاسی منطقه کردستان و اعلام نتایج انتخابات شورای جمعیت موارد زیر را به اتفاق آراء تصویب نمودند:

۱- جمعیت کردهای مقیم مرکز کوشش‌هایی را که از جانب بعضی از عوامل در جهت معرفی اشخاص ناصالح بنام نماینده خلق کرد انجام می‌گیرد، محکوم می‌نماید.

۲- اقدامات انقلابی رهبری انقلاب را در مورد اعدام عمال رژیم سابق و امپریالیسم، تأیید و پشتیبانی می‌نماید.

۳- اقدامات تعدادی از فئودال‌های مرتجع منطقه «سومای برداوست» را محکوم می‌کنیم و از دولت موقت انقلابی مصرأ می‌خواهیم هر چه زودتر نسبت

به بازگرداندن کشاورزان رانده شده از مزرعه و خانه‌ی خود و تنبیه عاملین این امر اقدام نماید.

۴- با تشکر از صادق وزیري، این جمعیت نماینده خود را با اعتقاد کامل به ایمان و صداقت جناب صارم الدین صادق وزیري انتخاب نموده و نمایندگی ایشان کماکان مورد تأیید می‌باشد.

۵ - جمعیت مراتب تنفر و انزجار خود را نسبت به بازداشت سه تن از برادران اهل «اوز لارستان» فارس که هنگام بازگشت از محضر حضرت آیت‌الله سید عزالدین حسینی توسط افراد غیر مسوول در جهرم بازداشت شده و اینکه در زندان قصر می‌باشند اعلام می‌دارد و خواستار آزادی فوری آنان می‌باشد.

۶ - جمعیت قاطعانه اعلام می‌دارد که تهمت‌های ناروا علیه رهبر عالیقدر خلق کرد جناب آیت‌الله سیدعزالدین حسینی کاملاً بی اساس بوده و چنین اعمالی را توطئه‌ی عناصر مرتجع و وابسته به امپریالیسم در جهت پایمال کردن خواسته‌های مشروع خلق کرد می‌دانیم و اعلام می‌کنیم که تشخیص صلاحیت رهبري و نمایندگان واقعی خلق کرد با خود این مردم است. (آیندگان ۲۸/۱/۱۳۵۸)

صارم الدین صادق وزیري، دبیر جمعیت کردهای مقیم مرکز:
خود مختاری، در جهت پیشبردانقلاب

از بین بردن آثار فرهنگی استبداد کار یک روز و دو روز نیست.
تمام دستاویزهای تجزیه طلبی کردستان را رد می‌کنیم.
طبقه امپریالیسم باید خلع سلاح شود.

صارم صادق وزیري دبیر جمعیت کردهای مقیم مرکز در تالار ابوریحان دانشگاه ملی پیرامون مسئله (خودمختاری) سخنرانی کرد. در این سخنرانی صادق وزیري با تأکید بر این امر که برای بررسی و تجزیه و تحلیل هر مساله باید (اصل تحلیل مشخص از اوضاع مشخص) را رعایت کرد مساله (خود مختاری) را بررسی کرد.

صادق وزیري علاوه بر دبیری جمعیت کردهای مقیم مرکز، عضو هیات مدیره کانون وکلا، عضو هیات اجرائی جمعیت حقوقدانان و سر دبیر روزنامه صدای معاصر است. آنچه در زیر می‌آید، رئوس سخنرانی صادق وزیري است:
گفتگو در باره هیچ مساله‌ای بصورت تجریدی و انتزاعی صحیح نیست و عملی نمیتواند باشد. مساله خودمختاری هم تابع این اصل کلی است. مساله ملی جزئی است از کل مساله مربوط به تکامل انقلاب. و این مساله در مراحل مختلف انقلاب، وظایف مختلفی را مطرح می‌کند.

پس اگر ما امروز از خود مختاری گفتگو می‌کنیم باید این مفهوم را اولاً در متن موقعیت انقلابی ایران و ثانیاً در رابطه با خلق کرد بررسی کنیم. در رابطه با انقلاب و شرایط فعلی، ما باید با دید خودمان به مساله خودمختاری نگاه کنیم. این دید نظر گاهی دینامیک، در جریان حرکت تکاملی، انقلاب است. در برخورد با این مساله با دو مفهوم سرو کار داریم، یکی مفهوم ملت، دیگری مفهوم دموکراسی.

در باره (ملت) و تعریف آن بحث‌های زیادی شده است. تعریف دقیق و عملی ملت بطور خلاصه این است. ملت اشتراک پایداری است از افراد که در اثر عوامل تاریخی ترکیب یافته و بر اساس اشتراک چهار مشخصه بنیادی پدیدار گشته است: اشتراک زبان، اشتراک سرزمین، اشتراک زندگی اقتصادی و

بالاخره اشتراك در ساختمان روهي، كه بصورت اشتراك ساختمان روهي، كه بصورت اشتراك در خصوصيات ويژه فرهنگ محلي تجلي مي‌كند. اين تعريف علمي دقيقاً ميبايتي با مساله ملي در نظر گرفته شود زيرا همواره عناصر چهارگانه ملت وجود داشته اند بعضي از آنها بطور تدريجي، مدتها قبل از دوراني كه مفهوم ملت بوجود آيد شكل گرفته است. سرزمين كه اساساً بوده است. زبان عامل ديگر، آنها وضع خاصي دارد. تطور زبان تابع قوانين خاص خودش است همه اين عناصر بتدريج تشخيص پيدا كردند و خلق كرد هم در اين شرايط معين تجربه ويژه اي كسب كرد حالا بحث بر سر اين است كه آيا ملتي با تعريفی كه از آن كردم در گذشته بسيار بسيار دور مي توانست وجود داشته باشد؟ ابداء، اگر هر كدام وجود داشته، سرزمين اشتراك در ساختمان روهي به شكل جنبي اش ولي اشتراك زندگي اقتصادي با آن شكل عام به گونه ايكه همه را در بر گيرد مسلماً نبوده است.

دموکراسي و خود مختاري

مي پردازيم به دموکراسي. دموکراسي هم مفهومي است كه هر دسته و هر قشر از اجتماع و هر طبقه در شرايط خاصي و معيني برداشتي خاص نسبت به جهان بيني خود، از آن دارد. معني لغوي اش يعني حكومت مردن بر مردم اما مي دانيم كه حكومت هميشه مظهر تسلط يك طبقه بر اجتماع است. دموکراسي در معنای واقعي خود اين مفهوم را براي اكثريت بهمراه دارد كه دموکراسي براي توده‌هاي دهقان، كارگر و ديگر زحمتكشان در شهر و ده دخالت در سرنوشت و دخالت در حكومت را تعيين مي‌كند. اگر غير از اين باشد تنها دموکراسي بر روي كاغذ است و در عالم واقع مصداق ندارد.

راه حل مساله ملي در دنيا نيکه با اصول سرمايه داري اداره مي‌شود در استقرار دموکراسي است و بس. هيچ راه حل ديگري ندارد، راه حل‌هاي ديگر اگر در طول تاريخ ديده شده همگي راه حل‌هائي است در نابودي ملل، دراز بين بردنشان و جلوگيري از هر گونه بروز آثار فرهنگ ملي و ترويج زبان و غير و اين راه حل‌ها بود كه سالهاي سال در مورد خلق كرد اعمال شد.

با اين دو تعريف مختصر در مورد ملت و دموکراسي بر مي گرديم به مساله خود مختاري و اينكه خودمختاري در شرايط فعلي انقلاب و در رابطه با پيشبرد شرايط انقلابي چه مفهومي مي‌تواند داشته باشد؟ و چه هست؟

ما يك جنبش داشتيم. جنبشي كه مختصات خاص خودش را داشت. اين جنبش، اولاً عام بود، يعني همه طبقات و اعضاي خلق را در بر گرفت. ثانياً سراسري بود و تمام ملل ساكن ايران را در برداشت. اختصاص به ملت خاصي نداشت. ثالثاً عميق و آگاهانه بود. يعني كسانيكه در اين جنبش دخالت يا مشاركت داشتند در اثر عميق بودن شرايط انقلابي دقيقاً متوجه شده بودند كه سمت حمله به كدام طرف است كه در جهت نابودي رژيم گذشته و كسي بود كه مظهر آن رژيم بود. اين حالت و اين شرايط معمول يك روز و دو روز و معمول شرايط انقلابي دقيقاً متوجه شده بودند كه سمت حمله به كدام طرف است كه در جهت نابودي رژيم از گذشته و كسي بود كه مظهر آن رژيم بود. اين حالت و اين شرايط معمول يك روز و دو روز و معلول شرايط خاص محلي موضوعي نبود. ريشه از گذشته مبارزه ملت ما و ريشه در گذشته تاريخ ما داشت و خلق كرد نيز با تمام وجودش ارجا كنده شد و در اين جنبش شركت كرد. حضور مردم در جنبش و خود جنبش اساساً تدريجي صورت گرفت و بعد گسترده شد و بالاخره

در يك شرايط خاص ملت بدون اينكه منتظر بشود و از جايي دستور بگيرد، دسته‌هاي پيشرو، جنب شرا به مرحله قيام مسلحانه ارتقاء داد. درست در اين مرحله بود كه بنیان رژيم گذشته را ازجا كندند. طبعاً ان پيش‌بینی نشده بود و همين موضوع مسایل مختلفی را بوجود آوردند كه آن مسایل مختلف به صور گوناگون آتاش امروز به چشم مي‌خورد.

انقلاب و تظاهر انقلابي

هم از اين روست كه گفته مي‌شود انقلاب بايد پيگيري بشود نهادهاي انقلابي محفوظ بماند. نهادهاي انقلاب بايد از ضد انقلاب بازشناخته شود و از تظاهرات انقلابي تميز داده شود. چون فرق است ما بين كار انقلابي و نهاد انقلابي با نهادهايي كه فقط تظاهر انقلابي است. اگر مشخصات جنب شرا در نظر بگيريم دو مشخص داشت. اگر مشخصات جنب شرا در نظر بگيريم دو مشخصه داشت. مشخصه استبدادي و مشخصه ضد امپرياليستي. اگر بدانيم كه استبداد فقط آن مظاهر و بنايي و آن دستگاه نبود و قبول كنم كه استبداد زير بنا هم دارد. استبداد پايه‌هاي اجتماعي هم دارد، اگر به همه اينها توجه كنيم، اگر متوجه باشيم كه جهت اصلي ديگر جنبش جهت ضد امپرياليستي است و به ثمر رسيدنش بدین معني است كه نفوذ امپرياليسم قطع شود و قطع نفوذ و ريشه‌هاي امپرياليسم بايد با از بين رفتن پايگاه‌هاي امپرياليسم بايد از بين رفتن پايگاه‌هاي امپرياليسم شروع شود در رسيدن به اين هدف بايد طبقات و اقشاري كه در خدمت آن بوده‌اند خلع سلاح شوند. از مسند پايين كشيده شوند و در اين راه خيلي كا داريم. مجموعه اين اوضاع و احوال است كه تداوم انقلاب راب صورت يك وظيفه مبرم، بصورتي ك ضرورت تاريخي در برابر همه قرار داده است. اين وظيفه مبرم، اين وظيفه تاريخي، همان اندازه كه براي ملت كرد مطرح است براي ساير خلق‌هاي ايران نيز مطرح است. چگونه مي‌توانيم با اين وظيفي كه خاص اين مرحله است روبرو شويم؟ و چگونه بايد مجهز شويم؟ اينها همه مسائلي است كه جزء به جزء در خور بررسي و تحقيق است و در رابطه با همين مسایل است كه مساله خودمختاري مطرح مي‌شود و ريشه‌هاي خود مختاري در همان است كه بپذيريم خلق كرد مشخصات خاص خودش را در رابطه با جمع ارکان تعريفی علمی مربوط به ملت دارد.

اشتراک زندگی اقتصادی

این ملت از نظر سياسي، از نظر اشتراك زندگي اقتصادي، از نظر معرفي مشتركات ملي طبيعتا با خلقهاي ديگر به ويژه خلق فارس نزديكهاي فراواني دارد، اما بهيچوجه اين بدان معني نيست كه خصوصيت ويژه و هويت خاص خودش را نادیده بگيرد. وقتي كه گفتگو از خود مختاري مي‌شود، يعني حكومت خلق كرد بر خودش است. و همه اينها به تعبيري كه در مقدمه آمد، بايد در قالب پيشبرد مطرح شود.

امر انقلاب مربوط به همه خلقهاي سراسري ايران است و اينجاست كه دقيقا مساله اي برايمان روشن مي‌شود و آن اين كه تمام آن موارديكه دستاويزي بدست دشمنان مي‌دهد، بهتان‌هائي كه از اينطرف و آنطرف به صور مختلف در مورد تجزيه طلبي ساز مي‌شود، با اين تحليل عملي نفي و رد مي‌شود. يعني اصلا وقتي كه امر خودمختاري را در قالب شرايط كنوني در پيشبرد تكامل انقلاب و وضع خاص آن در شرايط فعلي مطرح مي‌كنيم، بطور

کلی هرگونه مساله تجزیه طلبی خودبخود از اساس و بطور عملي قطع می‌شود. این برداشتی است که اکثریت قریب به اتفاق مردم کردستان دارند. بنابراین ما وقتی که می‌گوئیم ما تجزیه طلب نیستیم این به معنی يك شعار نیست، تبلیغات نیست، این بیان يك حکم علمي تاریخي مربوط به شرایط خاص این مرحله از انقلاب ایران است. مسایل دیگری نیز در این زمینه برای ما مطرح است.

زمینه عمل و برداشت ما چیست؟ در مورد زمینه عمل با توجه به شرایط خاص تاریخي کردستان و با توجه به عقب افتادگی اقتصادی، با توجه به اینکه ما يك کارخانه به مفهوم امروزي نداریم، می‌بینیم که درست شرایط اوضاع و احوال ما منطبق با شرایطی است که در کنگره خلق‌های خاورمیانه در ۱۹۱۹ مطرح بوده است. تعبیری که در آن زمان شد این بود که اکثریت خلق‌های خاور زمین نمایندگان راستین توده زحمتکش هستند و اینها با کارگرانی که مکتب فابريك و کارخانه سرمایه داری را گذارنده باشند تفاوت بارز دارند نمایندگان صرف زحمتکشان، توده دهقانان استثمار شده هستند که از ستمگری قرون وسطائی زجر می‌کشند. این تعبیر که مربوط به ۶۰ سال پیش است، دقیقا در مورد مساله کردستان اکنون صادق است یعنی توده‌ای که از آن صحبت می‌کنیم، در کردستان کارگر به آن معنای علمي‌اش، کارگری در کارخانه کار کرده باشد و دوره‌های کار را در آنجا گذارنده باشد، واقعا نداریم و اینست که ما برخورد می‌کنیم با مفهوم خاص (ملیت) اما برداشت ما از این مفهوم خاص ملیت گریز از آن نیست، پنهان کردن آن هم نیست، باید به آن نزدیک شد، شناختش و تعبیر درست از آن کرد و به مردم فهماند ما زمانی قادریم برای توده‌های زحمتکش کاری بکنیم که متحدین طبیعی خود را بشناسیم.

تجزیه طلبی

متحدین طبیعی ما دقیقا زحمتکشان ایران هستند. این بار هم پایه‌ای هست برای نفی آن چیزی که از سوی برخی به آن تجزیه طلبی اطلاق می‌شود. پس ما وقتی که با مفهوم امپریالیسم در شکل خاص آن در شرایط کنونی روبرو هستیم وقتی که ما با استبداد روبرو هستیم، می‌بینیم که رو بناها و مظاهر قدرتش نابود شده، اما ریشه‌ها و آثار فرهنگی‌اش را هنوز نتوانسته‌ایم از بین ببریم و طبعا کار یکی دو روز هم نیست و برای این کار سترگ دقیقا به این می‌رسیم که باید دست در دست همه متحدین طبیعی مان داشته باشیم متحدین طبیعی ما همه زحمتکشان و همه کسانی هستند که در سراسر ایران در مبارزه ضد استعماری، ضد امپریالیستی و ضد استبدادی مشارکت و دخالت داشته‌اند. باز هم تکرار می‌کنم این هم يك دلیل علمي دیگر بر اینکه امر خود مختاری نزد ما نمیتواند بصورت تجزیه طلبی مطرح باشد برای اینکه اگر قرار باشد از متحدین طبیعی خودمان جدا شویم، محکوم به شکستیم.

دموکراسی در کردستان مفهومی ندارد جز اینکه بصورت خود مختاری تجلی کند یعنی اگر ما اعتقاد داشته باشیم اگر قبول داشته باشیم که تجهیزات توده‌ها جز در سایه دموکراسی به معنای اصلی و واقعي‌اش امکان ناپذیر است، پس باید حکم علم را و حکم تاریخ را پذیرفت که خود مختاری به خلق کرد داده شود.

اما برخوردهایی که با این مساله شده، یانا آگاهانه و انحرافی بوده است. در این زمینه مسایلی مطرح می‌شود از قبیل دادن اختیارات استانی، یا برگشت

به قانون انجمن‌های ایالتی و ولایتی که قانون آن در سال ۱۳۲۵ (ق.ه) از مجلسین گذشته است. تداخل این مساله با مساله خودمختاری يك نوع ساده پنداشتن قضیه، یکنوع دور زدن مساله است اینکه سیستم اداری، متمرکز باشد یا نه، يك امر اداری است. مساله خودمختاری به تعبیری که گفتم پایه‌های عینی و علمی دارد یعنی شناخت ملت کرد بعنوان يك ملت و شناخت اینکه دموکراسی در کردستان معنای دیگری ندارد جز قبول خودمختاری. همیشه این را باید در نظر گرفت که این مساله در قالب تکامل انقلاب است. خودمختاری از اساس و بطور عینی و علمی با تجزیه طلبی دو گانه است. و اینها دو دو خط متنافر هستند، ما خودمختاری را در محدوده جغرافیائی ایران می‌خواهیم. مفهوم این حرف یعنی حاکمیت ایران بر محدوده جغرافیائی اش به تمام وکمال، باید اعمال شود ما از این امر دفاع می‌کنیم. لازمه تکامل در این مرحله برخورداری مردم از بسیاری از چیزهایی است که تا حال از آن محروم بوده اند.

نجات از يك حالت عقب افتادگی اقتصادی و اجتماعی است که مستقیماً معلول شرایط تاریخی قبلی است که به ما تحمیل شده بود. ما با قیام همگانی و با قیام سراسری این سیستم را در هم شکستیم. لازمه این کار آن است که نقشه‌ها و برنامه‌های عمومی در سطح کشور تهیه و در این زمینه الویت خاص به کردستان - بمنظور جبران عقب افتادگی - داده شود. برای پیشبرد این کار ما باید برنامه‌های عام سراسری و مشترک داشته باشیم و پیاده کردن این برنامه‌های مشترک سراسری طبعاً از وظایف دولت مرکزی خواهد بود و مربوط است به وظایف خاص آن، البته این نفي نمی‌کند که ما در محدوده جغرافیائی کردستان برنامه‌های خاص محلی نداشته باشیم.

بعد از این مساله، موضوع دفاع عمومی و روابط خارجی مطرح می‌شود. این‌ها مربوط است به دفاع از حاکمیت ملی تمام ایران که مربوط به حکومت مرکزی خواهد بود اما اینکه در عمل چگونه پیاده شود و چه کار کنیم که وظایف ارگان‌های دولت مرکزی با آنچه مربوط به خلق کردستان است برخورد نکند باید نشست و پیرامون آن بحث کرد با گفتگوی دوستانه و برادرانه با توجه به سنت‌ها، با توجه بسوابق، با توجه به کلیه وسایلی که در گذشته تولید سوء تفاهم کرده است با توجه به اینکه بعدها این سوء تفاهمات باید از بین برداشته شود شکل خاص و قالب خاصی باید برایش پیدا کرد. (کیهان ۱/۲۸/۱۳۵۸)

تلگرام جمعیت کردها

جمعیت کردهای مقیم مرکز با مخابره تلگرامی به مهندس بازرگان نخست وزیر و احمد صدر حاج سید جوادی وزیر کشور، ماجراجویان و مرتجعان محلی را عامل اصلی وقایع خونین نقده معرفی کرد و مدعی شد که زمینه این برخوردها، پیشاپیش از طریق پخش مقدار زیادی اسلحه در بین عناصر غیر مسوول فراهم شده بود. (کیهان ۲/۲/۱۳۵۸)

استمداد

در تهران جمعیت کردهای مقیم مرکز از همه مردم برای رساندن کمک‌های داروئی و پزشکی به آسیب دیدگان حوادث نقده استمداد کرد، این جمعیت از مردم خواست کمک‌های خود را به این جمعیت تسلیم کنند. (کیهان ۲/۲/۱۳۵۸)

تلگرام جمعیت کردها

جمعیت کردهای مقیم مرکز با مخابره تلگرامی به مهندس بازرگان نخست وزیر و احمد صدر حاج سید جوادی وزیر کشور (ماجراجویان و مرتجعان محلی) را عامل اصلی وقایع خونین نقده معرفی کرد و مدعی شد که زمینه این برخوردها، پیشاپیش از طریق پخش مقدار زیادی اسلحه در بین عناصر غیر مسئول فراهم شده بود.

در این تلگرام از نخست وزیر خواسته شده است تدبیری اتخاذ شود که کمیته‌های ارومیه با ابراز حسن نیت از تشدید و توسعه مخاصمه جلوگیری بعمل آورند و به ندای مسالمت آمیز رهبران سیاسی و مذهبی کردستان پاسخ مثبت دهند. (کیهان ۲/۲/۱۳۵۸)

تلگرام جمعیت کردها به نخست وزیر

جمعیت کردهای مقیم مرکز، در تلگرامی که دیشب برای مهدی بازرگان فرستاد، حوادث نقده را، کار ماجراجویان و مرتجعان محلی دانسته است. در تلگرام آمده است:

تلگرام به نخست وزیر آقای مهدی بازرگان

-رونوشت احمد صدر حاج سید جوادی وزیر کشور

هنوز خونهایی که در فاجعه اسفناک سنندج ریخته شده بود خشک نشده یک منطقه دیگر از کردستان به خون تپید. ماجراجویان و مرتجعین محلی آتش دیگری را روشن کرده‌اند که اگر از آن جلوگیری نشود، به فاجعه‌ای بزرگتر از تراژدی سنندج تبدیل خواهد شد. قبل از آنکه حوادث سنندج روی دهد از طرف آقای حسنی که در کمیته امام ارومیه نفوذ دارد مقدار زیادی اسلحه میان افراد ناصالح تقسیم شده و با تحریکات مداوم اختلاف‌های ترک‌ها و کردها را دامن می‌زدند. رهبران مذهبی و سیاسی منطقه به کرات در این مورد هشدار داده‌اند و در جریان حوادث سنندج این موضوع در حضور آیت‌الله طالقانی عنوان شد. بعدها نیز عناصر با حسن نیت از جامعه ترک زبان منطقه این خطر را به مراجع دیگر سازمان‌های دمکراتیک در تهران اعلام داشتند. هفته گذشته از طرف زارع نامی تلگرامی به قم و تهران مخابره شد که آشکارا تحریک‌آمیز بود و نشان می‌داده مقدمات برادرکشی از پیش فراهم می‌شود. تیراندازی به میتینگ مسالمت‌آمیز کردها در نقده گویای این حقیقت است که تدارک این برادرکشی از قبل فراهم شده بود، ما مصرأً می‌خواهیم به مسوولان کمیته در ارومیه دستور داده شود که با ابراز حسن نیت از تشدید و توسعه مخاصمه جلوگیری به عمل آید. و به ندای مسالمت آمیز رهبران دینی و سیاسی کردستان پاسخ مساعده داده شود. مراتب قبلاً به استحضار حضرت آیت‌الله طالقانی رسیده است.»

تقاضای کمک داروئی و پزشکی

جمعیت کردهای مقیم مرکز در اعلامیه‌ی دیگری گفته است که مردم نقده نیاز مبرم به کمک‌های داروئی و پزشکی دارند. (آیندگان ۲/۲/۱۳۵۸)

جلسه کردهای مقیم مرکز

تهران - خبرگزاری پارس: به دعوت جمعیت کردهای مقیم مرکز جلسه‌ای برای بررسی مسائل کردها در دانشگاه صنعتی تشکیل شد.

در این جلسه گزارشی در مورد حوادث تاسف انگیز نقده قرائت شد که در آن برخی از افراد غیرمسوول کمیته ارومیه متهم به حمله و غارت و کشتار مردم بی‌دفاع شده‌اند. همچنین در این گزارش آمده بود که ارتش در نقده بیطرفی را رعایت نکرده و به چند روستای اطراف نقده با تانک حمله برده است.

در این جلسه ضمن تاکید بر برادری بین اهالی ترك و كرد منطقه که از سالهاي پيش وجود داشته و دارد بروز این گونه اتفاقات را به تحريك عمال امپرياليسم به شدت محكوم کردند. (آيندگان ۸/۲/۱۳۵۸)

در جلسه کردهای مقیم تهران :

توطئه های امپرياليسم در حوادث نرده محكوم شد.
در جلسه جمعیت کردهای مقیم تهران در دانشگاه صنعتي توطئه های ارتجاع داخلی و امپرياليسم بین المللي در حوادث نرده محكوم شد.
در این جلسه احمد ميلاني يکي از اعضای شوراي جمعیت که به نرده رفته بود، گزارشي که از حوادث تاسف انگيز تهیه کرده بود قرائت کرد.
در این جلسه نمایندگان اهالی آذري نرده نیز شرکت داشتند و ضمن بررسی علل حوادث نرده بر برادری خلق کرد و ترك تاکید داشتند. دبیر جمعیت کردهای مقیم مرکز طی سخنانی گفت: هدف از ایجاد این توطئه ها و به جان هم انداختن برادران کرد و ترك این است که آنها را از مساله اصلي يعني خودمختاری مردم کرد و آذري باز دارند.

در پایان این جلسه قطعنامه اي قرائت شد که مورد تایید حاضران قرار گرفت.
در این قطعنامه جمعیت کردهای مقیم مرکز و نمایندگان آذري های مقیم نرده خواستار ایجاد گارد محلي صالح، خروج پاسداران اعزامي و ارتش از نرده، ایجاد شوراي موقت منتخب مردم کرد و ترك و مجازات مسببان حوادث نرده شدند. جمعیت از اقدامات گروه آيت الله طالقاني بي طرفي پاسداران اعزامي از مرکز ستایش کردند و خواهان بازگشت آوارگان نرده به خانه و کاشانه خود شدند. (کیهان ۸/۲/۱۳۵۸)

پیام جمعیت کردهای مقیم مرکز به مناسبت روز معلم

جمعیت کردهای مقیم مرکز امروز پیامي به مناسبت روز معلم فرستاد:
در این پیام آمده است:

۱۸ سال پیش در ۱۲ اردیبهشت ماه اعتصاب بزرگ که معلمان تهران به خون کشیده شد و یکی از معلمان مبارز «دکتر ابوالحسن خانعلي» به شهادت رسید معلمان مبارز در طول مبارزات ضد استبدادي و ضد امپرياليستي کشور که همواره در صف اول مبارزه بوده، و در این راه شهدايي نظیر دکتر علي شریعتي، صمد بهرنگي و مرضیه احمدی اسکويي داده است.

در طول مبارزات ۵۰ ساله خلق کرد برای آزادي ملي و استقرار دموکراسي در ایران دهها نفر از معلمان کرد در کنار اینان جان خود را از دست داده اند.

جمعیت کردهای مقیم مرکز ضمن تبریک روز معلم و نثار درود به روان همه معلمان شهید روز ۱۲ اردیبهشت را که مصادف با سالروز آغاز مبارزه مسلحانه در کردستان ایران است به همه معلمان ایران تبریک مي گوید و امیدوار است که معلمان همچون گذشته در سنگر مبارزه ضد امپرياليستي، دین خود را به ملت شريف ايران ادا کنند. (کیهان ۱۲/۲/۱۳۵۸)

روزشمار انقلاب ۱۱ / ۱ / ۱۳۵۸

صارم الدین صادق وزيري نماینده کردهای مقیم مرکز در اجتماع چند هزار نغري کردها در دانشگاه صنعتي سخنانی کرد و تاکید نمود که خودمختاری حق همه کردهاست. (هيو ۵/۲/۱۳۵۸)

۱۳۵۸ / ۱ / ۱۷

کردهای مقیم تهران طی اجتماعي، اعضاي شوراي جمعيت کردهای مقیم مرکز را برگزیدند. در این اجتماع، همچنین نمایندگان ۱۷ شهر کردنشین برگزیده شدند. (هیاو/۳/۵/۱۳۵۸)

بیانیه جمعیت کردهای مقیم مرکز

جمعیت کردهای مقیم مرکز در بیانیه‌ای ضمن رد هرگونه اتهام تجزیه‌طلبی، رادیو را متهم به ایجاد يك جنگ رواني بر علیه «خلق کرد» کرد و از دولت انقلاب خواست که از زدن هرگونه اتهام و به ویژه اتهام تجزیه‌طلبی به خلق کرد در رسانه‌های دولتي جلوگیری به عمل آورد. (اطلاعات/۳/۱۸/۱۳۵۸)

جمعیت کردهای مرکز به بازداشت دو تن از اعضایش اعتراض کرد.

جمعیت کردهای مقیم مرکز با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد که دو تن از اعضاي این جمعیت از سوي پاسداران در جاده کرج بازداشت شده‌اند. در بیانیه جمعیت کردهای مقیم مرکز گفته شده: «طیب عباس روح اللهی» و «عبدالله بابان» دو تن از مبارزان و فرزندان آزادیخواه کرد در حدود نه روز قبل به هنگام مراجعت از تهران به کردستان درجاده کرج از طرف عوامل مرتجع درون کمیته‌ها بدون هیچ دلیل مشخصی مورد اتهام قرار گرفته و بازداشت و زندانی شده‌اند و اکنون نیز در زندان قصر هستند.»

در این بیانیه از طیب عباس روح اللهی و عبدالله بابان به عنوان «مبارزین سرسخت کردستان که مورد اعتماد و احترام خلق کرد هستند» نام برده شده است. (آیندگان/۴/۵/۱۳۵۸)

اعلامیه جمعیت کردهای مقیم مرکز:

از مرتجعین محلي و فئودالها در پیرانشهر حمایت نکنید.

جمعیت کردهای مقیم مرکز در رابطه با حوادث اخیر منطقه پیرانشهر، اعلامیه‌ای منتشر کرد و در آن به دولت هشدار داد که به کمیته‌ها و بعضی از نیروهای انتظامی دستور داده شود که از مرتجعین و فئودالها حمایت نکنند. در این اعلامیه آمده است:

« بعد از حوادث خونین نرده و سنج و درگیری هفته گذشته بین دهقانان و فئودالها، يك بار دیگر از اوضاع منطقه پیرانشهر و نرده متشنج شده و رادیو، تلویزیون و بعضی از مطبوعات، با پخش و درج مطالب دروغ از قول جیره خواران رژیم شاه، علیه گروههای مترقی، سعی در مشغول کردن افکار عمومی و تشدید خصومت و خشونت میان مالکانی که سر سپردگی آنها به رژیم گذشته محرز است، مینماید. پیش از آنکه جنگ دیگری در منطقه شعله ور شود، به همه مردم شرافتمند ایران و نیروهای مردمی هشدار می‌دهیم که مسلح کردن فئودالها و ارادل و اوپاش اجیر شده، زمینه برخورد شدیدی در منطقه فراهم آورده است. هنوز برای ما روشن نیست چگونه دولت انقلابی و ستاد ارتش ملی و اسلامی به خود این اجازه را میدهد که اسلحه بدست فئودالها و کسانی بدهد که تا آخرین روزهای پیروزی انقلاب ایران، جاوید شاه می‌گفتند.»

و در پایان اعلامیه، اشاره شده است:

« آیا بجای بازگرداندن آوارگان نرده می‌خواهید گروه دیگری از هموطنان بی‌گناه را آواره و سرگردان کنید؟ این است آنچه که يك دولت انقلابی باید انجام دهد؟ ما جمعیت کردهای مقیم مرکز از دولت انقلابی جناب مهندس بازرگان می‌خواهیم با پاسخگوئی صریح و قاطع به این سئوالها، اذهان خلق‌های

قهرمان ایران را در مورد توطئه ای که هم اکنون بدست مالکان و فئودالها در پیرانشهر در شرف تکوین است، روشن نمایند». (آیندگان ۱۳/۴/۱۳۵۸)

آنچه بر دو مبارزی که سالها زندان و شکنجه طاغوت را تحمل کرده‌اند، در زندانهای پس از انقلاب گذشت.

خیلی شبیه «آن روزها» بود!

وقتی که ما را از زندان قصر آزاد می‌کردند، یکی از مأموران، پس از عذرخواهی بابت شکنجه‌هایی که به وسیله بازجوهای کمیته شده بودیم گفت: «اینها به اسلام خیانت می‌کنند و باید شناسائی شوند».

«عبدالله بابان» و «طیب عباسی روح الهی»، دو تن از اعضای «جمعیت کردهای مقیم مرکز» و «جمعیت دفاع از آزادی سنندج» که ۲۵ خردادماه، به وسیله ی یکی از کمیته‌ها بازداشت و مدت ۱۵ روز شکنجه شدنشان را فاش کردند که مختصری از آن در روزنامه‌ها منعکس شد. اما تفصیل ماجرائی که بر آنها گذشته نیز، شنیدنی است.

طیب عباسی روح الهی، یکی از زندانیان سیاسی رژیم پهلوی بوده که در جریان انقلاب که درهای زندانها گشوده شد این زندانی نیز همراه با سایر هم‌زمان خود آزاد شده است. وی که بازجوئی‌ها و شکنجه‌های جلادان ساواک را سالها تحمل کرده است می‌گفت: «ملت ایران هفتاد هزار شهید دادند تا «آزادی» بدست آوردند ولی اینک تفتیش عقاید به شکل تازه‌ای آغاز شده است».

عبدالله بابان در باره نحوه دستگیریش گفت: «روز جمعه ۲۵ خرداد با اتومبیل شخصی از کرمانشاه عازم تهران بودیم. در جاده کرج نزدیک پاسگاه پلیس راه، یک اتومبیل «ب. ام. و» یشمی رنگ ایست داد و ما را به پلیس راه بردند. در آنجا پس از بازرسی ماشین و کیف دستی من که در آن تعدادی روزنامه فارسی، کردی، عربی و مقداری یادداشت‌های شخصی به زبان کردی، در باره وابستگی بارزانی و عوامل قیاده موقت به امپریالیزم آمریکا و موساد اسرائیل وجود داشت، افسر پلیس راه، یادداشت‌ها را دقیقاً مطالعه کرد و هنگامی که به نام «صدام حسین» رسید، بدون اینکه بفهمد مطلب درباره سازش صدام حسین با شاه خائن است، اسلحه کمربندی خود را کشید و گفت: «شما خائن هستید و باید زندانی شوید!»

بابان افزود: «پس از توقف کوتاهی در کمیته ایران ناسیونال، چشمان ما را بستند، دستنبد زدند و با تحقیر و توهین به تهران آوردند. در راه دستور دادند سرهایمان را پائین نگه داریم و اگر کوچکترین حرکتی می‌کردیم، با مشت و لگد روبرو می‌شدیم.

در تهران ما را به ساختمانی بردند که بسیار لوکس و مجلل بود. البته ما بعداً فهمیدیم این محل باید همان کمیته پشت سفارت آمریکا باشد که محمد رضا سعادت‌نی نیز در آنجا شکنجه شده است. در این محل مادو نفر را از هم جدا کردند و هر یک را چهار شبانه روز با زنجیر به پایه رادیاتور شوفاز بستند. مرتب ما را کتک می‌زدند و درباره ی سازمان‌های چپی، که ما را متهم به وابستگی با آنها می‌کردند، حرف‌های توهین آمیزی می‌زدند». می‌گفتند: «شما چپ‌ها برای ما از هر کس خطرناک‌تر هستید و ما شما را به جایی می‌فرستیم که از ساواک بدتر باشد».

«طیب عباس روح اللہی» که همراه «بابان» دستگیر شده بود، در ادامه‌ی حرفه‌ای وی گفت: تمام اسناد و مدارکی که دلیل جرم ما شناخته شده متعلق به دوستم بود و من اعتراض کردم که اسنادی که به قول شما «خیانت» ما را ثابت می‌کند، متعلق به من نیست، اتهام من چیست؟ من فقط یک مسافر و باید مرا آزاد کنید، اما یکی از مأموران به صورتم سیلی زد و گفت: «این سهم تو که فقط مسافری!»

طیب عباسی روح الهی شمه‌ای از نحوه‌ی بازجویی‌ها را شرح داد و با توجه به اینکه چندین سال در زندان‌های آریامهری بازجویی و شکنجه شده است، معتقد بود که روش بازجوها، بازجویی‌های ساواک را به خاطر می‌آورد. روح اللہی گفت: «بازجوها صورت خود را با پارچه‌ای که فقط چشم‌هایشان معلوم بود، پوشانده بودند و نحوه‌ی بازجویی با تحقیر و توهین و شکنجه‌ی جسمی همراه بود در بیشتر مراحل بازجویی، سرپرست آنجا نیز حضور داشت. تعدادی از سئوال و جوابها به این صورت بود:

- چرا در رژیم طاغوت زندانی شدید؟ چه کتابهایی خوانده بودید؟ محتویات پرونده شما چه بود؟ با چه گروهی شما را گرفتند؟ گروه مسلح بود یا نه؟
- پرونده سیاسی من موجود است، می‌توانید ببینید.
- عضو جمعیت دفاع از آزادی سنندج هستید که یک سازمان علنی است.
- جمعیت دفاع از آزادی سنندج، شاخه‌ی علنی سازمان شماست، شاخه مخفی آنرا برای ما تشریح کنید.

- من از شاخه‌ی مخفی خبرندارم، چون جمعیت چنین شاخه‌ای ندارد.
- درباره این زندانیان سیاسی که شماره تلفن شان در دفتر شماست، توضیح دهید. هر کدام چه عقیده و گرایش داشتند، آیا چپ بودند یا مذهبی؟
- این سئوال تفتیش عقاید به طور واضح است و مغایر آزادی‌هایی است که ما برای آن مبارزه کردیم و شکنجه شدیم.
- اساسنامه‌ی جمعیت دفاع از آزادی سنندج و نظر شما نسبت به عزالدین حسینی و احمد مفتی زاده چیست؟

- تا جائیکه من استنباط کرده‌ام، جمعیت، عزالدین حسینی را به عنوان رهبر خلق کرد قبول دارد و خود من با توجه به موضع مترقی عزالدین حسینی، او را بیشتر قبول دارم.

- عزالدین حسینی که ساواکی است، چطور جمعیت و شما او را قبول دارید؟
- این شایعات مرتجعین است. هرگز اینطور نبوده است.

روح اللہی ادامه داد: «در این هنگام بازجو عصبانی شد و شروع به کتک زدن من کرد و تهدید کرد که اگر درست جواب ندهم، طور دیگری رفتار می‌کند. سرپرست آنجا که «حاج آقا ماشاءالله» صدایش می‌کردند، هر گاه کسی حرف نمی‌زد، کمر بندش را باز می‌کرد و می‌گفت: «اگر حرف نزنید شما را می‌کشیم و می‌گویم ضد انقلاب بودید. من از مقام مسئولی اجازه گرفته‌ام که شما را بکشم.»

روح اللہی سپس درباره‌ی بازجویی روز دوم گفت: «روز دوم که ما را برای بازجویی بردند، گفتند: «برای ما ثابت شده تمام پاسخ‌های شما دروغ بوده، یکبار دیگر به شما فرصت می‌دهیم پاسخ درست بدهید، در غیراینصورت مسئولیت جان شما با خودتان است.»

در این بازجویی، «حاج آقا» گفت که: «من شبکه‌ی ارتباطات مخفی شما را در تهران کشف کرده‌ام».

آنگاه برنامه‌ی کار هفتگی مرا که مهندس مایکروبیو هستم و نقشه‌های فنی بود را جلویم گذاشت و گفت: «رمز این شبکه‌ها را شرح بده!» «عبدالله بابان» در باره‌ی نوع اتهامش و توضیحی که پیرامون علت دستگیریشان به آنها دادند گفت:

«به ما حکم جلب هم نشان ندادند. پاسداری که به ما ایست داد، کارتی نشان داد که با دست روی اسم خودش را پوشانده بود. در کمیته به ما گفتند: «اسناد و مدارکی که همراه شماست، نشان می‌دهد ضد انقلاب و خائن هستید، زیرا حتی یک روزنامه اسلامی همراهتان نیست.»

سپس «عبدالله بابان» نشریات و روزنامه‌هایی را که باعث شده بود به «استناد» آنها مدت ۱۵ روز زندانی و شکنجه شوند، بر روی میز پخش کرد که روزنامه‌های رسمی و علنی کشور، و کتابهایی که در کتابفروشی‌ها به طور آزاد فروخته می‌شود و چند روزنامه عربی و کردی بود که در روز آزاد شدن، دادستان کل همه‌ی «اسناد» را به جز یک نوار به آنها پس داده بود.

درباره‌ی انواع شکنجه‌هایی که در این مدت به آنها داده شده بود، بابان گفت: «شکنجه‌ها، روانی و جسمی توأم بود. شکنجه‌ی روانی مثل تهدید به قتل، فحش و ناسزا، بستن چشم، وصل کردن به شوفاژ، هم بند کردن ما با عمال ساواک و شکنجه‌های جسمی شامل مشت و لگد، شلاق و کتک زدن به هر شکلی که می‌توانستند، بود. یکبار سر من شکست و تمام لباسها و دستهای سرپرست آنجا خونین شد».

روح الهی گفت: «پس از ۲ روز شکنجه و بازجویی در این محل، ما را چشم بسته به جایی بردند که احتمالاً زندان قصر یا لویزان بود. رفتار مأموران در آنجا نسبتاً انسانی و بسیار بهتر از مأموران قبلی بود و امکانات رفاهی هم در محل وجود داشت. اما آنچه زجرآور بود، هم بند شدن با جلادان و ساواک بود و زجرآورتر اینکه رفتار مأموران با آنها انسانی تر بود. مثلاً به آنها روزنامه می‌دادند، ولی ما حق گرفتن روزنامه نداشتیم و کلیه امکانات راحتی را در اختیار آنها می‌گذاشتند.

در این زندان، سه تن از رهبران اعتصاب نفت - جواد خاتمی، بشیر معیل و ناصر حیاتی - با ما و شکنجه‌گران هم بند بودند. آنها نیز شکنجه شده بودند. ما ۵ نفر به همراه سه زندانی صنعت نفت، به خاطر اعتراض به دستگیری و شکنجه و آزار، دست به اعتصاب غذا زدیم که تا لحظه‌ی آزادی ادامه داشت، اما مأموران کوچکترین توجهی به ما نکردند.

روح الهی ادامه داد: «در این زندان افراد دیگری نیز بودند که تا جاییکه ما با آنها صحبت کردیم، در محلی با همان مشخصات و همان سرپرست - که مردی میانه سال، چاق و با ته ریش بود - شکنجه شده بودند ولی روزی که ما را آزاد کردند، مأموری در زندان قصر از ما عذرخواهی کرد و گفت از جریان شکنجه در آن کمیته متأسف است و اینها که به اسلام خیانت می‌کنند، باید شناسایی شوند.»

عبدالله بابان و روح الهی در پایان، با لبخندی معنی دار، گفتند: «البته ما قول داده بودیم، وقتی آزاد شدیم هیچ از ماجراهای بازداشت به کسی نگوئیم،

اما مجبوریم برای جلوگیری از پیشامدهای مشابه در آینده در پیشگاه تمام مراجع شورای انقلاب و دولت و ملت، دادخواهی کنیم». (آیندگان ۱۵/۴/۱۳۵۸) صادم الدین صادق وزیري: کردستان بیش از همه نقاط ایران تحت فشار استبداد بود. شهدای کردستان نمایشگر مبارزه طولانی خلق کرد علیه دیکتاتوری پهلوی بوده اند.

• آیا فکر نمی کنید که از بین بردن قدرتهای محلی یا نوعی اشغال نظامی غیر از کردستان، در سایر مناطق ایران نیز وجود داشته است. البته ممکنست این نوع فشار و اشغال نظامی با شدت کمتری در سایر مناطق اعمال شده باشد، بنابراین سیاست رژیم پیشین نسبت به مناطق مختلف ایران و بویژه سرزمینهای عشیره نشین یکسان بوده است، همه ما لشکرکشی‌های را که بنام برقراری امنیت به فارس شده در خاطر داریم. حتی این آخریها و در زمان شعله ور شدن آتش جنگ فارس که بنام «غائله فارس» مشهور شد، برای از بین بردن آدمی که در خانه اش نشسته بود چه جنایتها که نکردند. «سپهد مجیدی» فرمانده لشکر فارس چه نمایشی اجرا کرد و آنطور که مردم می گفتند همه این رویدادها بسبب حرص و آز این حضرات بود. صرفاً برای اینکه پول بیشتری به جیب بزنند.

• میتوان گفت نوع کار و ماهیت حکومت یکی بود و بدیهی است که خط کلی سیاست رژیم پیشین نسبت به مردم سرزمین ما نیز یکی بود. اما دقیقاً در کردستان این سیاست، شکل دیگری بخود گرفت. ذکر چند مثال، تفاوت روش دولتهای گذشته را نسبت به کردستان و سایر مناطق سرزمین ما نشان میدهد. در زمانیکه من محصل بودم در کلاسهای ما تابلویی نصب شده بود که روی آن با حروف درشت نوشته شده بود: «فارسی حرف بزنید» یعنی در ساعات غیر درسی هم میخواستند ما فارسی حرف بزنیم. همان زمان، چوب کوچکی بریده بودند و رویش نوشته بودند «فارسی حرف بزنید» صبح مدیر مدرسه می آمد و این چوب را بدست یک خبرچین میداد و این خبرچین بین بچه‌هایمگشت که ببیند چه کسی کردی صحبت میکرد، هر کس کردی صحبت می کرد، چوب را در جیب او می گذاشت. شخصی که چوب را در جیب خود می یافت مجبور بود بهر طریق شده چوب را رد کند، یعنی او هم برود و توی جیب یا دست دیگری بگذارد. در پایان روز، چوب پیش هر کسی بود مفصلاً شلاق میخورد. اینکار نه تنها نوعی ترویج جاسوسی از همان ابتدا بود، بلکه یک عمل ضد مردمی نیز بحساب میآمد و روحیه ای در میان بچه‌ها بوجود میآورد که هر نوع خصیصه قومی را در آنها از بین می برد. از این گذشته برای اینکه هر نوع فشار و اختناق را در کردستان توجیه کنند، فوراً به هر حرکت و جنبشی، عنوان غارتگری و راهزنی میدادند. در دوره پهلوی اول، هزارها کرد در زندان قصر بودند، بعلاوه ایلات را تخته قاپو می‌کردند. مثلاً در سال ۱۳۱۵ در چله زمستان، افراد ایل «گل باغی» را کوچ دادند به قسمتهای مرکزی و حدود کاشان، در حالیکه آن سال سردترین سالی بود که من در عمرم بیاد دارم و چقدر مردم از بین رفتند و در همان زمان، بجای اینها از یزد و غیره زارع آوردند و گذاشتند. بعضی از افراد کرد که متواری شده بودند شبانه می آمدند این زارعین مهاجر را اذیت می‌کردند و بالاخره اینها را فراری می دادند. بنابراین باید توجه داشت ستمی که در کردستان اعمال شده شکلش با ستم جاهای دیگر

فرق داشت و به این شکل نبود. ما با وجود اینکه در کردستان از نظر انسانی و هوش متوسط افراد و از نظر طبیعی و داشتن رودخانه و نسبت جمعیت زیاد در کیلومتر و سایر شرایط مساعد قابل توجه هستیم، غیر از قسمتی از بلوچستان، نه همه بلوچستان، از عقب افتاده ترین نقاط ایران هستیم. هم از لحاظ اقتصادی و هم اجتماعی و هم از نظر فرهنگی، بنابراین در حقیقت، آثار تحمیل ستم مضاعف، هم در زمینه فرهنگی و هم در زمینه اجتماعی که بر ملت کرد روا شده، کاملاً چشم گیر است. این شکل خاص ظلم برخواسته‌های ملت کرد اثر گذاشته است. امروز روابط مستقیمی بین دموکراسی در ایران و خودمختاری در کردستان وجود دارد بنابراین اگر ما یک دموکراسی به معنای واقعی در سراسر ایران مستقر نکنیم، به هیچ وجه رسیدن به خودمختاری برای ما میسر نخواهد بود، همچنین اگر نیروهائی باشند که بگویند دموکراسی برای سراسر ایران بله اما خودمختاری برای کردها نه اینها کسانی هستند که نه معنای دموکراسی را می دانند و نه معنای خودمختاری را. بنظر من دموکراسی در منطقه ای مثل کردستان خواه ناخواه و الزاماً باید در قالب خود مختاری پیاده بشود. این اختصاصی است که کار ما در کردستان دارد و نکته‌ای را هم که باید به استحضار شما برسانم این است که در شرایط فعلی، سازمانهای سیاسی مختلفی در کردستان فعال هستند اعم از حزب دمکرات کردستان ایران که سابقه ۲۳ ساله دارد و برمی گردد به مساله مه‌باد و تشکیل حکومت قاضی محمد و سازمانهای دیگری که بعضی علنی هستند و بعضی مخفی. آن چه که وجه مشترک خواسته‌های این گروه‌هاست، همان مساله خود مختاری است یعنی در این زمینه اتفاق نظر دارند و هیچگونه اختلافی بین سازمانهای فعال موجود در کردستان وجود ندارد.

• منظور شما از خود مختاری چیست و تا چه میزان خودمختاری مورد نظر شما، از دولت مرکزی جدا می‌شود؟

دقیقاً عرض می‌کنم. آنچه مراد ما از خودمختاری است این است که غیر از امور مربوط به سیاست خارجی و غیر از امور مربوط به دفاع مملکت، دفاع از مرزها و تمامیت ایران و غیره از برنامه ریزی عمومی سراسری مملکت، تمام مسائل مربوط به اداره اعم از سیاست محلی، اعم از دادگستری، اعم از ادارات مختلف، اعم از فرهنگ باید مربوط باشد به حکومت خود مختار کردستان که حکومت خود مختار کردستان، منشاء قدرتش را از شورا ویا مجلس عمومی محلی کردستان باید بگیرد.

• شما وقتی مساله استقلال دادگستری را در کردستان مطرح می کنید می خواهید قوانین قضاوتی آنجا هم با جاهای دیگر فرق داشته باشد.

در مساله خاص مربوط به دادگستری این مساله برمی گردد به یک مسائل تکنیکی خاص. اصول کلی قوانین که همه جا یکی است مسائل تکنیکی خاص را شرایط محلی، ممکن است ایجاد بکند که مقررات خاصی در آنجا طرح شود. هم از نظر رویه قضایی و هم از نظر آیین دادرسی و هم از نظر قوانین ماهوی که در آنجا هست. بدلیل اینکه توجه داشته باشیم که مثلاً اگر قانون مدنی در ایران وجود داشته باشد، مبدأ منشأ قانون مدنی، فقه شیعه بوده است. در کردستان، چون اکثریت سنی هستند می‌توانند منشأ و منبع قانون مدنی آنجا را فقه سنی قرار دهند. همچنین اصول مترقی حقوقی امروز که با توجه به

رشد اجتماع و با توجه به تناسب نیروها حتماً باید مخلوطی باشد از این قوانین که باید در آنجا تدوین شود.

موضوع دیگری که باید مخصوصاً به عرضتان برسانم این است که دولت باید توجه به این نکته داشته باشد که تمام مردم کردستان، يك تنه، در این جنبش ضد استعماری و ضد استبدادی شرکت داشته‌اند و به نسبت خودشان، تلفات فوق العاده متحمل شده‌اند. غیر از سوابق مبارزاتی که به هیچ وجه قطع نشده اگر مبارزات عناصر مذهبی طبق اظهار خودشان از سال ۲۲ آغاز شد، قبل از سال ۲۲ مبارزه مسلحانه در کردستان بوده است که خیلی از افراد شریف آنجا کشته شده‌اند و از بین رفته‌اند مثلاً ملا آواره، شریف زاده، صحیفیانها و غیره افراد خیلی زیادی که در این راه کشته شده‌اند، اینها همه مبارزاتی بوده است بر ضد رژیم استبدادی.

مبارزاتی بوده است علیه امپریالیسم. و بنابراین نمی‌توانند و بنا براین مبارزات را نادیده بگیرند. من در تمام این جریانات و نیز جریانات اخیر پادرمیانی داشته‌ام. باید دقیقاً یاد آوری بکنم که در نزدیکترین روزهای سرنگونی رژیم یعنی در ۶ بهمن، در سنج کشتار عجیب و آتش‌سوزی و ویرانگری بسیار وحشتناکی در سطح تمام شهر بوسیله پاسبانهای شهر انجام گرفت که همه سازمان یافته بود. این مسائل را نمی‌توان نادید گرفت.

• الان صحبتی است از يك اختلاف نظر یا اختلاف سلیقه بین آقای حسینی و آقای مفتی زاده که به صفحات روزنامه‌ها هم کشیده شده است جنابعالی در این مورد چه نظری دارید؟

آقای حسینی از طرف اکثریت قریب اتفاق کردها تأیید می‌شود همچنین سازمانهای فعال در صحنه سیاسی کردستان. آقای مفتی زاده فقط در شهر سنج و اطراف احتمالاً ممکن است طرفدارانی داشته باشد و ایشان هم در مذاکراتی که با حضور من انجام گرفت، عنوان می‌کردند که قطعنامه هشت ماده ای کمتر از آن چیزی را که من مطالبه می‌کنم می‌خواهد. اگر صداقتی در این گفتار باشد که امیدوارم باشد، طبعاً در اصل قضیه خودمختاری نباید مخالفتی بین هیچکدام از اینها باشد. (آیندگان ۲۰/۴/۱۳۵۸)

جلسه عمومی کردها این هفته برگزار نمی‌شود.

جلسه عمومی جمعیت کردهای مقیم مرکز که هر هفته روزهای پنج شنبه برگزار می‌شود، به درخواست گروهی از اعضا و مصادف شدن با تعطیلات آخر هفته، امروز برگزار نمی‌شود و این جلسه، پنجشنبه ی آینده ساعت ۶ بعدازظهر در دانشگاه صنعتی برگزار خواهد شد. (آیندگان ۲۱/۴/۱۳۵۸)

جمعیت کردهای مقیم مرکز از دکتر یونسی خواست استعفا نکند.

یکی از مسئولان جمعیت کردهای مقیم مرکز، امروز پذیرفتن استعفای دکتر یونسی استاندار کردستان را از جانب دولت رد کرد و گفت: « استعفای دکتر یونسی، نتیجه ی فشار گروههای مرتجعی است که همواره در استانهای مختلف ایران با استانداران اعزامی دولت مرکزی مخالفت می‌کنند و می‌خواهند عوامل وابسته به خود را بر مسند قدرت بنشانند».

این سخنگو اعلام کرد: « ما با قبول استعفای دکتر یونسی به شدت مخالف و معترضیم و اعتقاد داریم با توجه به تلگرافهایی که در تأیید دکتر یونسی از شهرهای مختلف به دفتر جمعیت رسیده، او تنها کسی است که مورد قبول و تأیید مردم کردستان است. »

همین سخنگو نتیجه گرفت: «که اعزام هر استانداری جز دکتر یونسی با مخالفت شدید مردم کرد روبرو خواهد شد». (آیندگان ۱۳۵۸/۴/۲۱)

اعلامیه کردهای مقیم مرکز «جمعیت کردهای مقیم مرکز» در بیانیه ای، موضع خود را در قبال تفسیرهای سیاسی رادیو در رابطه با خلق کرد و رویدادهای این منطقه اعلام داشته و اتهام تجزیه طلبی خلق کرد را مردود دانسته است. نیز، یادآور شده: «توطئه‌ها در کردستان، توسط خلق کرد طراحی و زمینه سازی نمی‌شود». و افزوده است: «طراحان این توطئه‌ها کسانی هستند که فئودالهای وابسته به ارتجاع و استعمار را در کردستان مسلح کرده‌اند.» در آغاز بیانیه می‌خوانیم: «این روزها، رادیو - صدای جمهوری اسلامی - جنگ روانی را علیه خلق کرد در کردستان ایران آغاز کرده و مفسرین خود را بکار گرفته، تا زمینه‌سازیهای لازم را برای توطئه‌های جدید در کردستان بنماید. در این باصلاح تفسیرهای سیاسی که گویی از حلقوم مفسرین رستاخیزی یا فرماندهان آریامهری بیرون میاید، به خلق کرد که از آغاز نهضت همگام، و هم سنگر انقلابیون راستین ایران بوده و در هزاران میتینگ، اعلامیه و قطعنامه اعلام کرده که تجزیه طلب نیست، اتهام تجزیه طلبی وارد می‌شود.» پیامد این مقدمه، اشاره ای است به تفسیرهایی که در میانه ی اخبار ساعت ۱۴ روزهای ۱۷ و ۱۹ تیرماه، پخش شده است.

در پایان بیانیه، عنوان شده: «از دولت موقت انقلاب اسلامی می‌خواهیم تا از ایراد اتهام نسبت به خلق کرد در رسانه‌های دولتی و از تکرار تهمت ناروای تجزیه طلبی به خلق کرد که خواسته‌های برحق آن فقط در خدمت آزادی، استقلال و تمامیت ایران و حفظ دستاوردهای انقلاب است، جلوگیری به عمل آورد.» (آیندگان ۱۳۵۸/۴/۲۱)

راهپیمائی به سوی مریوان

شب گذشته، سخنگوی جمعیت کردهای مقیم مرکز، در تماسی با آیندگان گفت: «بر اساس گزارشی که از جمعیت دفاع از آزادی و انقلاب در کردستان دریافت داشتیم، دیروز دوبار بوسیله هلی کوپتر در پادگان مریوان، زره پوش پیاده کرده‌اند، پس از آن پاسداران مستقر در پادگان، ضمن تیراندازی در ساعت ۱۱ صبح، قصد ورود به شهر را داشتند، ولی محافظان شهر که مدت‌ها در برابر آنها خونسردی خود را نشان داده بودند، در ساعت ۱/۵ به تیراندازی آنها جواب دادند که بالاخره مجبور به عقب نشینی شدند. در فرودگاه سنندج نیز بوسیله دو هواپیما، تانک و پاسدار پیاده کردند و مردم سنندج امروز نیز در تأیید راهپیمائی دیروز تظاهرات کردند و خانواده گروگان‌هایی که بوسیله پاسداران مستقر در پادگان مریوان اسیر شده‌اند، ضمن تلگراف به تمام مراجع و اعلام خواست‌های خود مبنی بر آزادی فوری گروگان‌ها از فردا - امروز - در دادگستری سنندج متحصن می‌شوند، همچنین سازمان‌های صنفی - سیاسی سنندج ضمن تلگراف‌های متعدد به مقامات اعلام داشتند در صورتیکه گروگان‌ها به فاصله ۲۴ ساعت آزاد نشوند راهپیمایی دسته جمعی مردم از تمام شهرهای کردستان به سوی مریوان آغاز خواهد شد و همه سازمان‌های سیاسی سراسر کردستان، آمادگی خود را برای شرکت در این راهپیمائی سراسری اعلام داشتند.» (آیندگان ۱۳۵۸/۵/۴)

به علت ممانعت از ورود جمعیت به دانشگاه صنعتی شریف، جلسه هفتگی جمعیت کردهای مقیم مرکز در خیابان تشکیل شد. بعد از ظهر پنج شنبه، در جلسه هفتگی جمعیت کردهای مقیم مرکز، صارم الدین صادق وزیري، درباره ی مسائل کردستان برای کردهای مقیم تهران سخنرانی کرد.

این جلسه قرار بود در دانشگاه صنعتی شریف برگزار شود. اما جمعیت با درهای بسته ی دانشگاه روبرو شدند و گفتگوی مسئولان جمعیت کردها، با مأمورین کمیته ی مستقر در دانشگاه در این زمینه، به نتیجه ای نرسید. سرانجام جلسه در کنار خیابان برگزار شد و صادق وزیري برای جمعیت سخنرانی کرد. چند نفر که قصد داشتند از تشکیل جلسه جلوگیری کنند، به صارم الدین صادق وزیري گفتند که باید به فارسی صحبت کند و از سخنرانی کردن بپرهیزد. صادق وزیري اشاره کرد: « این حق ماست که در جمعیتی که همه افراد آن کرد هستند، به زبان مادری خود صحبت کنیم و این مهم را پیش نویس قانون اساسی هم پذیرفته است».

دبیر جمعیت کردهای مقیم مرکز به خبرنگار آیندگان گفت: « ما هفته ی قبل، از شورای دانشگاه وقت گرفته بودیم. ولی به علت برگزاری کنکور، وقت ما را به هفته ی بعد موکول کردند. امروز که مراجعه کردیم درهای دانشگاه بسته بود و با وجود حسن نیت چند نفر از مأمورین کمیته، در مذاکرات، تعدادی از مأمورین، مخالفت خود را با جلسه نشان دادند، بهتر است بگوئیم موضع گیری کردند. چون بهانه شان این بود که ما نمی توانیم مسئولیت اخلاقی و بهم خوردن نظم را قبول کنیم، در حالی که ماههاست جلسات جمعیت کردهای مقیم مرکز در کمال نظم و آرامش برگزار شده است.

صادق وزیري با اظهار تأسف از اینکه اجازه داده نشد، جلسه ی سخنرانی در دانشگاه برگزار شود به سخنرانی پرداخت و گفت: « توطئه ای در شرف تکوین است تا با حمله ی نظامی به کردستان پیاده شود، و این موضوع را حداقل، گفته های سرلشگر فرید و ابراهیم یونسی - استاندار مستعفی کردستان - که گفته اند: با دخالت ارتش در امور داخلی مخالفند و اینک مستعفی شده اند، می تواند دریافت».

وی افزود: « جای تعجب است، در حالی که مردم کردستان در همه جا صلح خواهی خود را نشان داده اند، دستگاه های دولتی با تبلیغات مغرضانه علیه خلق کرد، زمینه را برای درگیری های نظامی که یقیناً نه به سود دولت است نه به سود ملت فراهم می کنند. »

و ادامه داد: « ما در برابر هر توطئه ای آماده ایم عکس العمل نشان دهیم، ولی هیچ گاه جنگ طلب نبوده ایم، اگر چه خلق کرد هیچ گاه از تانک و توپ نترسیده و نخواهد ترسید! وی در پایان سخنان خود از همه ی نیروهای آزادیخواه درخواست کرد در برابر توطئه ی به خون کشیدن کردستان ساکت نشینند و دست به افشاگری بزنند». (آیندگان ۶/۵/۱۳۵۸)

نشریه کردهای مقیم مرکز منتشر شد.

نشریه ارگان «جمعیت کردهای مقیم مرکز» تحت عنوان «پرووسکه» در هشت صفحه منتشر شد. سر دبیر این نشریه هفتگی «صارم الدین صادق وزیري» برعهده دارد که با نوشته ای تحت «چرا کردستان و سازمانهای سیاسی آن هدف حملات کینه توزانه است» در نخستین شماره به وقایع اخیر کردستان

اشاره کرده است این نشریه به زبان فارسی و کردی منتشر شده است. مطالب و شماره نخست آن کلا به وقایع اخیر کردستان می‌پردازد. (اطلاعات ۱۳۵۸/۵/۷)

اعتراض جمعیت کردهای مقیم مرکز به انتخابات: بیشتر مردم کردستان نمایندگان خود را نه می‌شناسند و نه اسمشان را شنیده‌اند.

جمعیت کردهای مقیم مرکز با صدور اطلاعیه‌ای، به نحوه انتخابات و نمایندگان انتخاب شده در کردستان بشدت اعتراض کرد. در اطلاعیه‌ی جمعیت کردهای مقیم مرکز ضمن اشاره به رویدادهای کردستان آمده است: «در شرایطی که مردم میوان در کوی و دشت آواره بودند و هر روز مرتجعین و جنگ افروزان در نقطه‌ای آتش روشن می‌کردند، انتخابات کذایی مجلس خبرگان که جانشین نامشروع مجلس موسسان است، در کردستان برگزار شد.

پس از رای گیری، نام دو نفر به عنوان نمایندگان استان کردستان اعلام شد که اکثریت قریب به اتفاق مردم کردستان، تاکنون نه تنها آنها را نمی‌شناسند بلکه نام آنها را هم نشنیده‌اند».

در این اطلاعیه، همچنین به قطع برنامه‌های رادیو تلویزیون کردستان به عنوان توطئه‌ای از پیش طرح شده اشاره شد. ضمن محکوم کردن توطئه و تقلب انتخابات و اینکه نماینده‌ی یک شهر ۵۰ هزار نفری، نمی‌تواند به نام یک میلیون نفر جمعیت کردستان سخن بگوید، سؤال شده است: «آیا نماینده‌ای که هیچ یک از افراد خلق کرد او را نمی‌شناسد، برگزیده‌ی مردم است؟ آیا همچنانکه امام خمینی در نطق بهشت زهرا در مورد نمایندگان مجلس منحل‌ه‌ی شورایی ملی گفت: «اگر دست این آقایان را بگیریم و به شهرها و روستاهای کردستان ببریم، آیا کسی آنها را می‌شناسد؟ آیا اساساً این دو نفر انتخاب شده کرد هستند؟» (آیندگان ۱۳۵۸/۵/۱۶)

اعتراض مردم چند استان به نحوه انتخابات وزیر کشور: اعتراض افراد و گروهها به انتخابات بررسی می‌شود.

جمعیت کردهای مقیم مرکز با صدور یک بیانیه ضمن اشاره به این نکته که تنها یک شهر ۵۰ هزار نفری کردستان نمیتواند بنام یک میلیون نفر از جمعیت این استان در مجلس خبرگان حضور یابد، یادآور شده است که: «اعضای انجمن نظارت و مجریان انتخابات در این شهرها که بوسیله اعوان و انصار منتخبین تعیین شده بودند، به میل خود آرای صندوق‌ها را کم و زیاد میکردند». (کیهان ۱۳۵۸/۵/۱۶)

گزارش

خبرگزاری فرانسه از تهران گزارش داد:

«منابع مطلع کردهای مقیم مرکز اعلام کردند تماس‌هایی برای آماده ساختن راه برای انجام گفتگوهای مستقیم میان دولت و مقام‌های کرد برای عادی کردن اوضاع در مناطق کردنشین ایران انجام گرفته است. همین منابع افزودند: اگر این تماس‌ها به نتیجه برسد، احتمالاً گفتگوها ی رسمی بزودی آغاز خواهد شد».

در تماس کیهان با مقام‌های مسئول دولتی، از این جریان اظهار بی‌اطلاعی شد. (کیهان ۱۳۵۸/۶/۳)

نامه جمعیت کردهای مقیم مرکز به وزیر دادگستری:
جمعیت کردهای مقیم مرکز به هیچ گروه و حزب خاصی وابسته نیست.
جمعیت کردهای مقیم مرکز در نامه‌ای به وزیر دادگستری که رونوشت آن
برای دادستانی کل انقلاب حجت الاسلام قدوسی و کمیته مرکزی انقلاب
اسلامی آیت‌الله مهدوی کنی ارسال شده اعلام کرده بود که این جمعیت به
هیچ گروه و حزب خاصی وابسته نیست.

متن نامه جمعیت مذکور به شرح زیر است:

احتراماً جمعیت کردهای مقیم مرکز که به عنوان يك جمعیت ملی و آزادیخواه
در خلال روزهای قبل از پیروزی انقلاب اعلام موجودیت کرد، تاکنون دوبار بوسیله
پاسداران مسلح مورد هجوم قرار گرفته و هر بار تنی چند از دوستان و
همشهریان ما را که در دفتر جمعیت بوده‌اند دستگیر و به علت نبودن هیچ
دلیلی بر مجرمیت بعد از چند روز آنها را آزاد کرده‌اند. با توجه به اینکه جمعیت
کردهای مقیم مرکز به هیچ حزب و سازمان و گروه خاصی وابسته نیست و
فعالیت غیرقانونی ندارد، دلیل این یورش‌های مسلحانه تاکنون بر ما روشن
نشده است اینک با ارسال يك نسخه از اساسنامه جمعیت تقاضا می‌کنیم
دستور فرمایید دیگر بار مزاحم این جمعیت نشوند و از این رهگذر بی‌دلیل در
میان کردهای مقیم مرکز نفاق بدبینی و نارضایتی کاسته نشود. با توجه به
اینکه جمعیت بیشتر امدادی و رفاهی می‌باشد و رهبری انقلاب در اعلامیه
یازده ماده‌ای روز عید فطر دستور داده‌اند هیچکس مزاحم برادران کرد نشود،
چنانچه یکبار دیگر افراد مسلح به این جمعیت حمله کنند ما مجبور به
دادخواهی می‌شویم و فعالیت خود را از کانال‌های دیگر ادامه می‌دهیم.
با احترام - جمعیت کردهای مقیم مرکز ۱۳۵۸/۶/۱۷ (اطلاعات ۱۳۵۸/۶/۲۱)

طرح پیشنهادی هیات نمایندگی خلق کرد برای خودمختاری کردستان
هیات نمایندگی خلق کرد طرح پیشنهادی خود را برای خودمختاری منطقه
اعلام کرد. این طرح از سوی جمعیت کردهای مقیم مرکز در اختیار کیهان
گذاشته شده است. بیش از این در کیهان طرح هیات ویژه دولت برای
خودگردانی این منطقه را به چاپ رسانده بود. آنچه در زیر می‌آید طرح
پیشنهادی هیات نمایندگی خلق کرد است و کیهان برای اطلاع خوانندگان
گرامی خود متن آن را به چاپ می‌رساند.

ماده ۱- کردستان ایران سرزمینی در محدوده جغرافیایی کشور ایران است
که از نظر تاریخی مسکن اقوام کرده بود اکنون نیز اکثریت ساکنان آنرا ملت کرد
تشکیل می‌دهد. این سرزمین شامل کلیه مناطق کرد نشین استانهای ایلام -
کرمانشاه - کردستان و آذربایجان غربی می‌باشند.

ماده ۲- کردستان ایران جزئی از کشور جمهوری اسلامی ایران است که
پیوندهای عمیق تاریخی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی پیوستگی ملت کرد،
ساکن در آن را با سایر ملت‌های ساکن در آن را با سایر ملت‌های ساکن ایران
استوار ساخته است.

ماده ۳- حاکمیت ملت کرد بر سرزمین کردستان ایران به شکل خودمختاری در
چار چوب وحدت سیاسی، اقتصادی و تمامیت ارضی کشور ایران اعمال
می‌گردد.

ماده ۴- دولت مرکزی جمهوری اسلامی ایران برای تامین وحدت سیاسی و تمامیت ارضی کشور اقتدارات مربوط به مسایل زیر را در سرزمین خودمختاری کردستان اعمال می‌نماید:

الف: امور مربوط به دفاع از سرحدات استقلال و تمامیت ارضی ایران در قبال تجاوز بیگانگان که توسط نیروهای سه‌گانه زمینی، هوایی و دریایی ارتش صورت می‌گیرد، توسط ارگانهای حکومت مرکزی اداره و تصدی می‌گردد.

ب: امور مربوط به سیاست و روابط خارجی مستقر در سرزمین کردستان ایران در صلاحیت دولت مرکزی است.

ج: بازرگانی خارجی و گمرکات و سیاستهای عمومی مربوط به این امور توسط ارگانهای دولت مرکزی اداره و تصدی می‌گردد.

د: برنامه‌ریزی درازمدت اقتصادی که به سرمایه‌گذاری‌های کلان نیاز دارد، و تنظیم سیستم و اداره پولی و ارضی کشور در صلاحیت ارگانهای دولت مرکزی می‌باشد.

تبصره ۱: در زمینه امور دفاعی، این اصل که پادگانها و تاسیسات نظامی باید در مرزها و دور از شهرها باشد همواره باید رعایت گردد به طوری که تحت مقتضیات نظامی و غیره هیچ‌گونه اقدام و عملی که منتج به مداخله نظامیان در امور داخلی سرزمین خودمختار کردستان ایران گردد، صورت نگیرد.

تبصره ۲: سربازان وظیفه ساکن سرزمین خودمختار کردستان ایران باید در پایگاه‌های نظامی و سربازخانه‌های مستقر در کردستان به خدمت گمارده شوند.

تبصره ۳: در ادارات محلی مربوط به بازرگانی خارجی و گمرکات و برنامه‌ریزی درازمدت اقتصادی و اداره سیستم پولی کشور در سرزمین خودمختار کردستان باید از کارمندان محلی استفاده شود.

ماده ۵- بجز مواردی که در ماده (۴) تصریح گردید. اعمال حاکمیت در کلیه امور و شئون سرزمین خودمختار کردستان ایران بدون هیچ‌گونه استناد در صلاحیت ارگانهای خودمختاری می‌باشد.

ماده ۶- مجلس ملی کردستان ایران عالی‌ترین ارگان حاکمیت ملت کرد در سرزمین خودمختاری کردستان ایران می‌باشد این مجلس از طریق انتخابات آزاد، مستقیم، مخفی و همگانی کلیه سکنه کردستان ایران هر دو سال یک‌بار انتخاب و تشکیل می‌گردد.

تبصره ۱: هر پنجاه نفر از ساکنان سرزمین ایران یک نفر نماینده برای مجلس ملی کردستان انتخاب خواهند کرد.

ماده ۷- مجلس ملی کردستان کلیه مقررات مربوط به نظام‌نامه داخلی خود و همچنین انتخابات شوراهای شهر و روستا را تدوین و تصویب خواهد کرد.

ماده ۸- مجلس ملی کردستان با توجه به قوانین عمومی کشور کلیه قوانین و مقررات جاری در سازمانهای خودمختاری کردستان را تصویب خواهد کرد.

ماده ۹- مجلس ملی کردستان حکومت خودمختار کردستان را برای اداره کلیه امور سیاسی، اقتصادی، اداری، فرهنگی و انتظامی سرزمین خودمختار کردستان بر خواهد گردید.

ماده ۱۰- حکومت خودمختار کردستان در قبال مجلس ملی کردستان مسئولیت مشترک خواهد داشت و هر یک از اعضای حکومت خودمختار نیز منفرداً در مقابل مجلس ملی کردستان مسوول خواهند بود.

تبصره ۱: اعضای حکومت خودمختار کردستان از نظر سلسله مراتب و تشریفات اداری کشور در عرض معاونین وزارتخانه‌های حکومت مرکزی خواهند بود. ماده ۱۱- مجلس ملی کردستان حق و وظیفه دارد که شرایط فعالیت آزاد و دموکراتیک حیات اجتماعی را در زمینه آزادی احزاب و اجتماعات و مطبوعات و بیان قلم و عقیده و مذهب و انجمن‌های دموکراتیک و حق اعتصاب در تمام سرزمین کردستان فراهم کند و بر رعایت موازین آن از جانب قوه مجریه نظارت دقیق نماید.

ماده ۱۲- بودجه کردستان خودمختار بوسیله حکومت خودمختار کردستان تنظیم و به مجلس ملی کردستان پیشنهاد و پس از تصویب به مورد اجرا گذاشته می‌شود.

ماده ۱۲- منابع تامین اعتبار بودجه کردستان خودمختار عبارتند از:

الف: مالیاتها، عوارض و سایر درآمدهای محلی.
ب: سهمی از بودجه عمومی کشور که از طرف حکومت مرکزی در اختیار حکومت خودمختار کردستان قرار داده می‌شود.

ماده ۱۴- برنامه‌ریزی برابر شد و تکامل اقتصادی در سرزمین کردستان در جهت جبران عقب‌افتادگی ناشی از ستم ملی یعنی ایجاد صنایع ملی، توسعه کشاورزی و دامپروری، پیشرفت امور رفاهی و عمرانی و خدمات عمومی به نحوی که زندگی توده‌های زحمت‌کش خلق کرد تغییر نیابد پیدا کند با استثنای آنچه در بند ۶ ماده (۴) ذکر شده از وظایف حکومت خودمختاری کردستان می‌باشد.

تبصره ماده ۱۴- پس از کسر بودجه مربوط به امور دولت مرکزی از درآمدهای عمومی، بودجه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به نسبت میزان جمعیت در میان مناطق مختلف کشور توزیع می‌شود. معیار توزیع این بودجه چنان خواهد بود که به منظور جبران عقب‌ماندگی اقتصادی ناشی از ستم ملی ساکنان این مناطق و از جمله کردستان خودمختار باید متناسب با درجه عقب‌ماندگی آنان از درآمد متوسط سرانه کشور باشد.

ماده ۱۵- زبان کردی در کلیه ادارات سرزمین خودمختار کردستان اعم از ادارات ارگانه‌های خودمختار یا سایر ادارات زبان رسمی است با تاکید بر این نکته که زبان فارسی کماکان زبان رسمی سراسر ایران از جمله کردستان می‌باشد.

ماده ۱۶- در سرزمین خودمختار کردستان ایران آموزش در کلیه سطوح اعم از ابتدایی و متوسطه و عالی به زبان کردی خواهد بود ولی تدریس زبان نیز پس از پایان سال چهارم ابتدایی در کلیه مدارس سرزمین کردستان ایران اجباری خواهد بود.

تبصره: اقلیت‌های ملی در سرزمین خودمختار کردستان ایران حق دارند فرهنگ و سنن ملی خود را حفظ و ترویج کنند و در مدارس خود زبان مادری خود را تدریس نمایند.

ماده ۱۷- ایجاد مؤسسات و مراکز آموزشی و فرهنگی و برنامه‌ریزی مربوط به فعالیت این مؤسسات و مراکز در سرزمین خودمختار کردستان ایران اداره می‌شود.

تبصره ۱- مراکز رادیو و تلویزیون موجود در سرزمین خودمختار کردستان تحت نظارت حکومت خودمختار کردستان ایران می‌باشد.

۱۸- حفظ امنیت داخلی و امور انتظامی سرزمین خودمختار کردستان ایران در شهر و روستا توسط نیروهای پیشمرگه که به استخدام رسمی حکومت خودمختار کردستان ایران در خواهند آمد تأمین خواهد شد.

ماده ۱۹- مسوولین انتظامی شهر و روستا در سرزمین خودمختار کردستان ایران منصوب می‌شوند و در برابر آن مسوولیت خواهند داشت.

ماده ۲۰- هرساله تعدادی دانشجو از طرف سرزمین خودمختار کردستان ایران در مدارس نظامی برای تأمین نیازمندیهای نیروهای دفاعی سرزمین خودمختار کردستان به تحصیل خواهند پرداخت. سازمانهای مربوط در حکومت مرکزی ایران مکلفند کلیه موجبات آموزشی و تربیت این دانشجویان را فراهم سازند و نیازمندیهای تسلیحاتی نیروهای انتظامی داخل کردستان را بطور معقول و متناسب تأمین نماید.

ماده ۲۱- قوه قضاییه در سرزمین خودمختار کردستان ایران منفک از سایر قوا بوسیله دادگاههای مستقل اعمال می‌گردد.

ماده ۲۲- محاکم سرزمین خودمختار کردستان ایران در مسایل عرفی بر طبق قوانین عرفی سراسری کشور و قوانین مصوب مجلس ملی کردستان خودمختار در حدود صلاحیت‌های خویش وضع کرده‌اند و مبتنی بر اصول متبع حقوقی و منطبق با اعلامیه جهانی بشر و میثاق جهانی حقوق مدنی باشد و در مسایل مربوط به احوال شخصیه بر طبق قواعد مذهبی متداعیون تدافع خواهد کرد.

ماده ۲۳- یک شعبه دیوان عالی کشور در سرزمین خودمختار کردستان ایران مستقر خواهد گردد و فرجام‌خواهی از آراء محاکم سرزمین خودمختار کردستان ایران در این شعبه مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت.

تبصره: دادرسی در دادگاههای سرزمین خودمختار کردستان ایران به زبانهای کردی و فارسی انجام خواهد گرفت.

ماده ۲۴: برای تقویت ایجاد خلقهای ایران صرفنظر از اینکه ساکنان سرزمین کردستان مانند سایر نقاط ایران نمایندگان خود را به متناسب با جمعیت کردستان در ارگانهای حکومت مرکزی (هیات وزیران و وزارتخانه‌ها) مشارکت خواهند داشت.

ماده ۲۵- به موجب تضمین مبانی خودمختاری و حفظ حقوق تمام خلقهای ایران در مرکز کشور تشکیل خواهد شد و هر یک از خلقهای ایران ۳ نماینده به شورای خلقهای ایران خواهند فرستاد.

تبصره: سه نفر نمایندگان سرزمین خودمختار کردستان ایران توسط مجلس ملی کردستان انتخاب خواهد شد.

ماده ۲۶- کلیه قوانین مصوب مجلس شورای ملی ایران که مربوط به روابط و حقوق خلقهای ایران می‌باشند باید در شورای عالی خلقهای ایران مطرح شود و به تصویب برسد. (کیهان ۱۰/۱۰/۱۳۵۸)

صارم الدین صادق وزیری سخنگوی کردهای جمعیت مرکز: خلق کرد مذاکره را تنها راه حل رفع بحران کردستان می‌داند.

تمام سازمانهای مسوول باید در مورد بحران کردستان عکس العمل نشان می‌دهند.

«صارم‌الدین صادق وزیری» سخنگوی جمعیت کردهای مقیم مرکز روز پنج‌شنبه در دانشگاه صنعتی شریف در مورد مذاکرات هیات حسن نیت با رهبران مذهبی و سیاسی کردستان طی یک سخنرانی اظهار داشت: این

مطالب می‌بایست مدتی پیش عنوان میشد که بدلیل بروز پاره ای مسایل در کردستان و قطع ارتباط ما، صحبت در مورد این مسایل مدتی به تاخیر افتاد. صادق‌وزیری در این سخنرانی ضمن برشمردن حوادثی که در این مدت در کردستان روی داده به تشریح خواست‌ها و مسایل خلق کرد پرداخت و گفت: سرانجام معلوم شد که افراد و بدخواهانی حقیقت را جز آنچه هست عنوان کرده‌اند و بالاخره آتش‌بس برقرار و مذاکره آغاز شد. خلق کرد همواره و در تمام مراحل اعتقاد قطعی و قلبی خودش را به مذاکره و به این‌که راه حل دوستانه و مذاکره برای فیصله دادن به مساله کردستان تنها راه حل است، اعلام کرد؛ در این زمینه و در این میان هرچه گفته شد توأم با صداقت بود یعنی حرف خلق کرد صداقت محض بود و امروز هم وضع بر همان شیوه است خلق کرد باز در همان موضع است یعنی توأم با حفظ هوشیاری، همواره آماده مذاکره است و از صمیم دل می‌خواهد که امر خودمختاری به سامان برسد، اما مذاکره دو طرف دارد آنچه که مربوط به طرف خلق کرد است این است که این مذاکره باید سازمان داده شود، مذاکره باید بر شیوه اصولی توأم با نزدیکی هر چه بیشتر با خلق توأم با بهره گرفتن هر چه بیشتر از نیروی خلق باید سازمان داده شود. نکته‌ای که من در بیست روز اقامتم در مهاباد بر اثر برخوردها و ملاقات‌ها به آن برخوردم و همه جا تکرار کرده‌ام این است که خلق کرد پیشاپیش تمام سازمان‌های سیاسی گام بر می‌دارد یعنی خلق کرد همه سازمان‌ها را بدنبال خود می‌کشد این یک موقعیت استثنایی است موقعیتی توأم با هشدار، چه برای سازمان‌های سیاسی کردستان و چه برای سایر سازمان‌ها. خلق کرد دقیقاً نسبت به حقوق خودش نسبت به تکالیفی که در قبال جنبش دارد، نسبت به وظایف تاریخی که در این مرحله از جنبش دارد، آگاه است. عاقل است و با شعور و در هر مرحله در هر زمینه فضاوت می‌کند و گام بر می‌دارد لذا توده‌های خلق کرد در سازمان‌های سیاسی متشکل شده‌اند و آنهایی که در سازمان‌های سیاسی رسماً عضو نیستند. برای امر خودمختاری به همان اندازه ساعی و کوشا هستند و در این زمینه دقیقاً از شیخ عزالدین حسینی پیروی می‌کنند. بنابراین هیات نمایندگی که برای مذاکره تشکیل شده است از اینجا ریشه ریشه می‌گیرد که اولاً امر مذاکره را توده‌های خلق کرد در دست گرفته‌اند. ثانیاً تمام سازمان‌های سیاسی کردستان در این هیات نمایندگی مشارکت دارند. این خود ویژگی خاصی است که هیات ویژه‌ای از آن برخوردار است. صادق‌وزیری در قسمتی دیگر از سخنان خود پس از تشریح وحدت کلمه درباره این موضوع که دموکراسی چگونه متجلی می‌شود گفت: «وقتی گفته می‌شود که هیات نمایندگی مرکب از تمامی نیروها باشد به این دلیل است که این نیروها در کردستان وجود دارند و در زمینه سیاسی کردستان فعالیت دارند و فعال هستند و باید آنها را در امر مذاکره مشارکت داد و به حسابشان آورد به دلیل آنکه هر کدام از آنها بخشی از توده‌ها را بدنبال خود دارند. صادق‌وزیری سپس با اشاره به ترکیب هیات ویژه افزود: مذاکرات مقدمات و شرایطی می‌خواهد. در طول این مدت اعضای هیات حسن نیت ۲ یا ۵ بار دسته جمعی و یا بطور انفرادی به کردستان رفته‌اند اما فقط یک‌بار جلسه مذاکره به معنی واقعی تشکیل شد و آن‌هم فقط یک معارفه بود. در این جلسه رییس هیات نمایندگی خلق کرد نطق افتتاحیه داشت و اعضای هیات نمایندگی خلق کرد را معرفی کرد و رییس هیات حسن نیت نیز جواب داد و اعضای هیات را معرفی

کرد و سپس جلسه تعطیل شد و مذاکره صورت نگرفت و بنام تنفس جلسه تعطیل شد اما در واقع علت تشکیل نشدن جلسات بعدی و تعطیل مذاکرات به این دلیل بود که گویا یکی از اعضای هیات دولتی به ترکیب هیات نمایندگی خلق کرد ایراد گرفت. این مطلبی بود که دقیقاً از طرف سخنگوی هیات نمایندگی خلق کرد به آن پاسخ داده شد به این معنی که هر هیات مذاکره کننده خودش ترکیب اعضای خود را تعیین می‌کند. صادق‌وزیری در جای دیگر از سخنان خود گفت: در اینجا باید به يك نکته توجه داشت و آن این مساله است که وظیفه فرد فرد ما و همه خواهران و برادران کرد است که معنی خودمختاری را آنطوری که فهمیده‌ایم و آنطور که مردم کردستان و حتی بچه‌های ده، دوازده ساله به آن اعتقاد دارند برای همه بازگو کنیم برای همه توضیح دهیم و نشان دهیم آنچه که ما می‌خواهیم یعنی خودمختاری غیر از خودگردانی است غیر از برخوردی است که هیات نمایندگی دولت با آن کرده است این برخورد يك نوع برخورداری است هیات حسن نیت و ما دقیقاً می‌خواهیم با امر خودمختاری با امر خلق کرد به طور مسوولانه و حاکمیت ملی ایران هستیم ما وحدت انقلابی خلق‌های ایران را مانند مردمك چشممان حراست می‌کنیم نباید به هیچ وجه محیطی فراهم کرد که به این وحدت خلاء وارد شود آنچه که مربوط به خلق کرد است بر هیات نمایندگی مربوط می‌شود صداقت محض است در طول این مدت کوشش شده است علی‌رغم این که مدت آتش‌بس به پایان رسیده هیچ‌گونه برخوردی صورت نگیرد یعنی مادامی که حمله نشده است هیچ سازمان سیاسی و هیچ فرد مسلحی در سراسر کردستان اقدام به حمله مسلحانه کنند. این را نشان دادند و من شاهد بودم که تمام سازمان‌ها دقیقاً نسبت به این مساله هشیار بودند و مراقب بنابراین آنچه که هست مربوط به طرف دیگر مذاکره است طرف دیگر مذاکره باید احساس مسوولیت بکنند امر خودمختاری مربوط است به سرنوشت ایران، استقلال ایران و تمامیت ارضی ایران و مربوط به مبارزه قاطع با امپریالیسم. ما چگونه می‌توانیم بی‌تفاوت باشیم وقتی که می‌بینیم که ژاندارمری «قروه» را که تا بوده و بوده جزو ژاندارمری کردستان بوده از تقسیمات منطقه‌ای کردستان جدا می‌کنند و آن را جزء همدان بکنند؟ اعضای هیات نمایندگی دولت هر کدام به تلویزیون آمده‌اند صحبت کرده‌اند نقطه نظرهای خود را گفته‌اند حسن نیت و برادری و برابری ملازمه با این دارد که طرف دیگر هم بتواند حرف‌هایش را بزند. مخاطب ما همه مردم ایران است امر خودمختاری به همه مردم مربوط است چرا نباید مردم ایران نظرات هیات نمایندگی خلق کرد را از رادیو و تلویزیون بشنوند و بدانند که آنها چه می‌گویند اگر قرار است که مساله برادرانه طرح و حل بشود راه حل این است که برخورد دوستانه، برادرانه و برابر باشد این‌ها مسایل مهم امروز ماست و ما باید در مورد آن بحث کنیم. برادران و خواهران باید دقیقاً به این نکات توجه بکنند هیات نمایندگی خلق کرد نه تنها نقطه نظرهای خود را در مورد طرح خودگردانی پیاده کرده بلکه خود اعتقاد به مذاکره دارد و می‌خواهد از طریق مذاکره این بحران را به نتیجه برساند. طرح متقابل داده است ما از تك تك برادران و خواهران می‌خواهیم که باز هم دقیقاً این طرح را بخوانند و تایید خود را بر این طرح به طرق مختلف نشان بدهند اما درباره تایید هیات نمایندگی خلق کرد ما در حقیقت دو رفراندوم کردیم، دو عمل سیاسی مشخص بعد از انتشار طرح مشترك خودمختاری و بعد از تشکیل هیات داشتیم آذرماه در تمام شهرهای

کردستان تظاهرات عظیم و بی‌نظیر در تأیید هیات نمایندگی و در تأیید طرح مشترک برگزار شد به فاصله چند روز ما مواجه شدیم با رفراندوم و این که چه رویه‌ای در پیش بگیریم پس از آنکه تلگراف شد که رفراندوم به تأخیر بیفتد و پس از آنکه پاسخی دریافت نکردیم بایستی موضع‌گیری می‌شد و دقیقاً موضع می‌بایست این باشد که اعلام کنیم در رفراندوم شرکت نخواهیم کرد ن گفتیم تحریم می‌کنیم گفته شد شرکت نمی‌کنیم توجه کنید فرق است بین تحریم رفراندوم و شرکت نکردن. تحریم نکردن یعنی چه، یعنی هر کس دلش می‌خواهد برود شرکت کند برای اینکه صداقتشان را در این مساله نشان بدهند نامه نوشتند به فرمانداری مهاباد و جاهای دیگر و گفتند رفراندوم آزاد است و همه می‌توانند رای بدهند و ما نه تنها صیانت می‌کنیم، صندوقها را بلکه نظارت هم می‌کنیم. این نشان می‌دهد که خلق کرد متفقاً هیات نمایندگی خلق کرد را تأیید می‌کند بعد از این دو حالت مشخص سیاسی و این دو پیشنهاد قاطعانه، هیات ویژه دولت می‌بایستی اگر هم قبل از آن با کسان دیگری مذاکره می‌کرد بعد از آن فقط از کانال هیات نمایندگی خلق کرد مذاکره می‌کردند اما متأسفانه بعد از آن می‌بینم آقایان می‌آیند و می‌روند و با افراد دیگری به مذاکره می‌نشینند آنچه که طرف مذاکره نیست هیات نمایندگی خلق کرد است اما شما لابد می‌دانید در همین دو سه روز گذشته تظاهرات ۸۰ هزار نفری تشکیل شد و یکی از مواد قطعنامه تظاهرات این بود که دولت فقط باید با هیات نمایندگی خلق کرد به مذاکره بنشیند این به صلاح انقلاب است که مذاکره با طرف مشخص و مقبول عام بکند مذاکره پراکنده مذاکره با این و آن به مصلحت انقلاب نیست. نه امپریالیسم خوابیده است و نه کسانی که نیت خوبی در مورد تمامیت ارضی ندارند بیکار نشسته‌اند خطر این‌ها را ما می‌دانیم دقیقاً برای مواجهه صحیح با این خطرات ما باید متحد باشیم اتحاد صحیح و سیاسی ما باید تکوین پیدا کند تحکیم بشود برای آنکه بتوانیم دستجات غیر مسوول را سر جایشان بنشانیم، اما سیاسی که منتهی به تضعیف سازمان‌های مسوول نشود، برای آنکه سازمان‌های غیر مسوول تحریکاتشان به نتیجه برسد این به نفع انقلاب ایران نیست و به همین دلیل من همه احزاب و سازمان‌های سیاسی غیر مسوول را در ایران مخاطب قرار می‌دهم و به عنوان سازمان‌های مسوول در ایران مسوولیتشان را به آنها یادآوری می‌کنم و می‌گویم که درباره امر مذکور کردستان باید از خود عکس‌العمل نشان بدهند زیرا مسوول هستند در برابر آنچه در کردستان ایران اتفاق خواهد افتاد. در بحبوحه جنگ، جبهه ملی يك ابتکار سیاسی به خرج داد و آن این بود که هیات حسن نیت به کردستان بفرستد مرکب از نماینده‌های خودشان و عناصر صلاحیتدار. من می‌گویم هنوز هم این‌گونه ابتکارات وجود دارد و مطمئن هستم هر گونه بی‌تفاوتی نسبت به مذاکره کردستان امری است که بر سازمان‌های سیاسی بخشیده نخواهد شد. به تمام مطبوعات و آنهایی که خود را مسوول و متعهد در امر انقلاب می‌دانند خطاب می‌کنیم که نسبت به این مساله باید هوشیاری و مراقبت داشته باشند اولین شرط هوشیاری این است که بیانیه‌های سازمان مذاکره کننده خلق کرد را آن‌طوریکه باید، منتشر کنند برای اینکه ملت ایران باخبر شود از آنچه می‌گذرد نباید وقت بگذرد و اینها کارشان را انجام ندهند دیگر دست روی دست گذاشتن فایده‌ای ندارد. اینها مسایلی است که می‌بایست در مورد مذاکرات به اطلاع مردم برسانم و از طریق مطبوعات به اطلاع ملت ایران و همه

سازمانهای سیاسی ایران باید در این مورد از خود هوشیاری و احساس مسوولیت نشان بدهند و ما همه آنها را به توجه به این مساله فرا می‌خوانیم تا هر طور که می‌توانند در به سامان رساندن مذاکرات دخالت کنند. (بامداد ۱۲/۱۰/۱۳۵۸)

صارم‌الدین صادق وزیری: همه سازمان های سیاسی در برابر مساله کردستان مسوولند.

صارم‌الدین صادق وزیری دبیر «جمعیت حقوق دانان» و سخنگوی جمعیت کردهای مقیم مرکز و مشاور هیات نمایندگی خلق کرد در تهران که از نزدیک جریان مذاکرات کردستان قرار داشته، طی یک سخنرانی در جلسه عمومی جمعیت کردهای مقیم مرکز که در دانشگاه صنعتی شریف برگزار شد، درباره جمعیت، مذاکرات کردستان و موضع طرفین مذاکره در ارتباط با انتشار طرح خودگردانی از سوی هیات ویژه و طرح جدید خودمختاری کردستان از سوی هیات نمایندگی خلق کرد، بیاناتی ایراد کرد. وی در قسمتی از سخنانش، ضمن تاکید بر اینکه «هیات نمایندگی خلق کرد» متفقاً مورد تأیید خلق کرد است، مذاکرات پراکنده را بی نتیجه خواند و گفت: « این به صلاح انقلاب است که مذاکره با طرف مشخص و مقبول عام بکنند. مذاکره پراکنده، مذاکره با این و آن، به مصلحت انقلاب نیست. ما میدانیم همه نوع تحریکات خارجی هست، من نفي نمی‌کنم که مسلماً هست، نه امپریالیسم خوابیده است و نه کسانی که نیت خوبی در مورد تمامیت ارضی ندارند، بیکار نشسته‌اند. خطر اینها را ما می‌دانیم، دقیقاً برای مواجه صحیح با این خطرات، ما باید متحد باشیم. اتحاد صحیح و سیاسی ما باید تکوین پیدا کند، تحکیم بشود، برای آنکه بتوانیم دستجات غیر مسوول را سرچایشان بنشانیم، اما سیاستی که منتهی به تضعیف سازمان‌های مسوول در کردستان بشود، طبیعتاً زمینه را بخود می‌آورد برای بخود آوردن سازمان‌های غیر مسوول تحریکاتشان به نتیجه برسد. این به نفع انقلاب ایران نیست و به همین دلیل، من همه احزاب و سازمان‌های سیاسی را در ایران، اعم از حزب جمهوری اسلامی، جاما، جنبش ملی مجاهدین، مسلمانان مبارز و غیره و غیره مانند جبهه ملی و سایرین را به عنوان سازمان‌های مسوول در ایران مخاطب قرار می‌دهم و مسوولیتشان را یادآوری می‌کنم و می‌گویم که درباره این امر (مذاکره کردستان) باید از خودشان عکس العمل نشان بدهند، زیرا در برابر آنچه در کردستان ایران اتفاق خواهد افتاد، مسوول هستند. در بحبوحه جنگ، جبهه ملی، یک ابتکار سیاسی به خرج داد و آن این بود که هیات حسن نیت مرکب از نمایندگان خودشان و عناصر صلاحیتدار به کردستان، بفرستند. من می‌گویم هنوز هم زمینه اینگونه ابتکارات وجود دارد و مطمئن هستم، هرگونه بی تفاوتی نسبت به مذاکرات کردستان، امری است که بر سازمان‌های سیاسی بخشوده نخواهد شد. تمام مطبوعات و آنهایی که خود را مسوول و متعهد در امر انقلاب می‌دانند، خطاب می‌کنم که نسبت به این مساله، باید هوشیاری و مراقبت داشته باشند. اولین شرط هوشیاری این است که بیانیه‌های سازمان مذاکره کننده، خلق کرد را آنطوری که باید، منتشر کنند، برای آنکه ملت ایران از آنچه می‌گذرد باخبر شود. اگر وقت بگذرد و اینها کارشان را انجام ندهند، دیگر دست روی دست گذاردن فایده ای ندارد. اینها مسایلی است که من می‌بایست در مورد مذاکرات از طریق مطبوعات به اطلاع ملت ایران و همه سازمان‌های سیاسی ایران برسانم، همه سازمان‌های

سیاسی ایران باید در این مورد از خود هوشیاری و احساس مسوولیت نشان بدهند و ما همه آنها را با توجه به این مساله فرا میخوانیم تا هر طور که میتوانند در به سامان رساندن مذاکرات، دخالت کنند».

شیوه مذاکرات

«صارم الدین صادق وزیري» در بخش دیگر سخنان خود گفت: «خلق کرد، همواره و در تمام مراحل، اعتقاد قطعی و قلبی خود را به مذاکره و به اینکه راه حل دوستانه و مذاکره برای فیصله دادن به مساله، تنها راه حل است، اعلام کرد. در این زمینه و در این بیان، هرچه گفته شد، توأم با صداقت محض بود و امروز هم وضع بر همان شیوه است و خلق کرد، باز در همان موضع است یعنی توأم با حفظ هوشیاری، همواره آماده به مذاکره است و از صمیم دل، میخواهد که به سامان برسد. اما مذاکره، دو طرف دارد. آنچه که مربوط به طرف خلق کرد است این است که این مذاکره باید سازمان داده شود. مذاکره باید به شیوه اصلی توأم با نزدیکی هر چه بیشتر با خلق و بهره گرفتن هر چه بیشتر از نیروی خلق سازمان داده شود. در این زمینه، من مطلبی را از زبان يك پيشمرگ دهقان که در مصاحبه ای بیان کرده بودم، ناگزیرم تکرار کنم، بیان این پيشمرگ دهقان، متضمن حکمی است که در آن، بسی نکته‌ها نهفته است. همه جا گفته شده است و در بسیاری از تواریخ آمده است که خلق کرد، هیچگاه در میدان جنگ، شکست نخورده است، اگر شکستی بوده است در مذاکرات و در پشت میزهای مذاکره بوده است. این پيشمرگ دهقان، اینطور توجیه می‌کنند که امر جنگ را ما زحمتشکان به عهده داریم، اما امر مذاکره را سیاستمداران و سیاست بازان. به همین دلیل، بوده است که آنجاییکه جنگ بوده نیروی توده‌ها و نیروی زحمتکشان پیروز شده اما مذاکره، چنین تجربه تاریخی، به خلق کرد آموخته است که مذاکره را نیز توده‌ها در دست بگیرند و امر مذاکره را به نحو صحیح سازمان بدهند. نکته دیگری که من در بیست روز اقامتم در مهاباد در اثر برخوردهای متعدد و ملاقات‌ها یافتم و همه جا هم تکرار کرده ام، این است که خلق کرد، پیشاپیش همه سازمانهای سیاسی گام برمیدارد، یعنی خلق کرد، همه سازمان‌های سیاسی را به دنبال خود می‌کشد. این يك موقعیت استثنائی است، موقعیتی توأم با هشدار چه برای سازمان‌های سیاسی کردستان و چه برای سایر سازمانها، خلق کرد دقیقاً نسبت به حقوق خویش، نسبت به تکالیفش در قبال جنبش و نیز نسبت به وظایفش در این مرحله حساس، آگاه و شاعر است و با شعور در هر عرصه و در هر زمینه، قضاوت می‌کند و گام بر می‌دارد. لذا توده‌های خلق کرد در سازمان‌های سیاسی متشکل شده‌اند و آنهایی که در سازمانهای سیاسی، رسماً عضو نیستند، برای امر خودمختاری، به همان اندازه ساعی و کوشا میباشند و در این زمینه، از شیخ‌عزالدین حسینی پیروی می‌کنند. بنابراین هیات نمایندگی خلق کرد که برای مذاکره تشکیل شده است از اینجا ریشه می‌گیرد که اولاً امر مذاکره را توده‌های خلق کرد در دست گرفته‌اند. ثانیاً تمام سازمانهای سیاسی کردستان، در این هیات نمایندگی مشارکت دارند. این، خود، ویژگی جنبش کردستان است و از اهمیت ویژه ای بخصوص در رابطه با انقلاب سراسری ایران. چرا این سؤال مطرح است؟ جواب داریم، برای اینکه جنبش انقلاب کردستان، بخش مهم و پیشرو از جنبش انقلابی سراسر ایران میشود، بنابراین هرکسی که در سراسر ایران، قلبش برای استقلال و حاکمیت می‌تپد و هر کس که واقعاً به امر

استقلال و به مبارزه اصیل با امپریالیسم اعتقاد دارد، باید این عامل مثبت را در جنبش انقلابی کردستان و در جنبش واقعی انقلابی سراسری ایران، آنطور که هست به طور مثبت، ارزیابی کند و به آن ارج بگذارد».

مفهوم خودمختاری

«صارم الدین صادق وزیری» در بخش دیگری از سخنان خود افزود: «وظیفه فرد فرد ما و همه خواهران و برادران کرد است که معنی خودمختاری را آنطوریکه فهمیده ایم، آنطور که مردم کردستان و حتی بچه‌های ده، دوازده ساله به آن اعتقاد دارند، برای همه بازگو کنیم، توضیح دهیم و نشان دهیم آنچه که ما می‌خواهیم یعنی خودمختاری، غیر از خودگردانی است، غیر از برخوردی است که هیأت نمایندگی دولت با آن کرده است. این برخورد، یک نوع برخورد اداری است، یعنی سیستم ادارات ایران، اختیارات ادارات باید چطوری باشد. این همانطوری که خود آنها عنوان کرده‌اند ارتباطی با کردستان ندارد و دقیقاً مساله خاص مردم را از تاریخ مبارزات خلق کرد از تمام آنچه که در این یکسال گذشته است، از تمامی وقایع خونین چند ماه گذشته، گسسته‌اند. یعنی خودگردانی، یک امر اداری است، ناشی می‌شود از تلقی نادرست هیأت نمایندگی دولت از مفهوم خودمختاری. خودمختاری مفهوم شناخته شده علمی دارد. این مفهوم شناخته شده علمی و مشخص در کردستان دقیقاً و عمیقاً از طرف همه مردم به خوبی تا اعماق و خودشان رسوخ کرده است، می‌شناسد و میدانند ابعادش چیست، این را با خودگردانی مقابله نمی‌کنند. نکته جالبی بود در یک مصاحبه تلویزیونی که با سخنگوی هیأت نمایندگی در مهاباد کردند، او بیان کرد که از یک بچه ده، دوازده ساله پرسیده ام چه می‌خواهی؟ گفت خودمختاری، بعد از همین بچه پرسیدم خودگردانی چیست؟ بلافاصله جواب داد: سرگردانی است. بنابراین می‌بینیم که مجموعاً برخوردی که هیأت نمایندگی دولت در طول این مدت، با مساله خودمختاری کرده نشانه این است که تلقی درست و عملی و مشخص از خودمختاری ندارند و لذا در کارهایشان و در برخوردهایشان هم آثار این برخورد ناصحیح را می‌بینیم. وقتی که در جلسه مذاکره با ترکیب هیأت نمایندگی، ایراد می‌گیرند، این خودش دقیقاً نشانه این است که این نیامده برای اینکه راجع به امر خودمختاری مذاکره کند، برای اینکه اگر کسی برای مذاکره در این مورد آمده باشد، نمی‌گوید هیأت نمایندگی شما باید از این و آن تشکیل شود». صارم الدین صادق وزیری همچنین گفت: «مردم کردستان، همه جز اقلیت معدودی که همدیگر را می‌شناسیم، وطن پرستهای پرافتخاری هستند. حق دارند در اموری که مربوط به ملت ایران و سرنوشت استقلال مملکت است شرکت کنند. در مذاکره هم شرکت می‌کنند، بنابراین کسانی که چنین تلقی از مذاکره دارند، چنین تلقی از خودمختاری دارند، اینها نمی‌توانند امر مذاکره را آنطوریکه به صلاح ملت ایران پیش برود، سامان بدهند. ما این را می‌گوئیم دقیقاً، برخوردهای تنها این نیست. رییس هیأت به کرمانشاه می‌رود، در آنجا سخنرانی می‌کند و می‌گوید من اطمینان می‌دهم که کرمانشاه، کرمانشاه خواهد ماند. سال گذشته وقتی که شما آمدید اسم تاریخی کرمانشاه را عوض کردید و قهرمانشهر کردید ما روزنامه به اسم کرمانشاه درآردیم و این اسم را پاس داشتیم. ما جانبدار سنت‌های اصیل کرد و جانبدار سنت‌های اصیل ایرانی هستیم. این جور برخورد با مسایل توأم با

کارهای دیگری که میشود، نادرست است و کمکی به حل مساله نمی‌کند و در پیشبرد مذاکرات هم بی‌تاثیر است».

برخورد مسوولانه

ما دقیقاً می‌خواهیم با امر خودمختاری با امر خلق کرد به طور مسوولانه برخورد بشود. ما به استقلال و تمامیت ایران از صمیم دل علاقمند هستیم. ما سربازان واقعی استقلال و حاکمیت ملی ایران هستیم. ما امر وحدت انقلابی خلقهای ایران را مانند مردمک چشممان حراست می‌کنیم. نباید به هیچ وجه، محیطی فراهم کرد که به این وحدت، خلل وارد شود، آنچه که مربوط به خلق کرد است به هیات نمایندگی مربوط می‌شود، صداقت محض است. در طول این مدت، کوشش شده است علیرغم اینکه مدت آتش بس، به پایان رسیده هیچگونه برخوردی صورت نگیرد. یعنی مادامی که حمله نشده است، هیچ سازمان و هیچ فرد مسلحی در سراسر کردستان، اقدام به تهاجم مسلحانه نکند. این را نشان دادند و من شاهد بودم که تمام سازمانها دقیقاً نسبت به این مساله هوشیار و مراقب بودند، بنابراین آنچه که هست مربوط به طرف دیگر مذاکره است. طرف دیگر مذاکره باید احساس مسوولیت کند. امر خودمختاری مربوط است به سرنوشت ایران، استقلال ایران و تمامیت ارضی ایران و مربوط به مبارزه قاطع با امپریالیسم است».(اطلاعات ۱۲/۱۰/۱۳۵۸)

مساله کردستان باید از طریق مذاکره حل شود.

«جمعیت کردهای مقیم مرکز» با انتشار اطلاعیه ای در مورد امکان تجدید جنگ در کردستان، به همه سازمانهای سیاسی و افراد مسوول هشدار داده و خواسته است تنها از راه حل سیاسی در زمینه رفع مشکلات موخود کردستان استفاده شود. در اطلاعیه آمده است: «خواهران و برادران عزیز شما بخوبی دریافته‌اند کسانی که جنگ برادر کشی را به کردستان تحمیل کرده‌اند، هدفی جز این نداشتند که نیروهای اصیل ضد امپریالیستی را تضعیف کنند و زمینه را برای تسلط مجدد امپریالیسم و استقرار مجدد سرمایه داری وابسته فراهم کنند. مقاومت قهرمانانه مردم کردستان و درایت و تدابیر آیت‌الله العظمی خمینی موجب گردید که شعله‌های جنگ شوم تحمیلی فروکش کند و طریق مسالمت آمیز، بعنوان راه درست و منطقی مساله ملی در کردستان انتخاب گردد». در ادامه اطلاعیه ضمن اعلام این نکته که حاصل آمد و شدهای هیات ویژه دولت تاکنون «هیاهوی بسیار برای هیچ» بوده است، هشدار داده شده که شواهدی در دست است که عواملی دست اندر کار تدارک حمله مجدد به کردستان و تجدید جنگ تحمیلی هستند. در قسمت دیگر اعلامیه آمده است: «ما از همه سازمانهای سیاسی، عناصر و افراد خیرخواه در سراسر ایران می‌خواهیم نسبت به حوادث کردستان بی‌تفاوت نباشند. نباید دست روی دست گذاشت و منتظر تحمل عواقب شوم فاجعه ای بود که در شرف وقوع است. باید هوشیار و آگاه بود». در ادامه اعلامیه، ضمن اشاره به نقش مهم مطبوعات در روشنگری در مورد حوادث کردستان و درخواست از آنها برای برخورد مسوولانه با این امر، از همه خواهران و برادران ایرانی خواسته شده است: «در يك کلمه بخواهید که امر خلق کرد و همه خلقهای ساکن ایران از طریق مذاکرات مسالمت آمیز و برادرانه حل و فصل گردد. حمله مجدد به کردستان و تجدید جنگ، فقط بسود امپریالیسم است. نگذارید خون برادران و

خواهران ما در راه مقاصد شوم امپریالیست‌های جهانخوار ب خاک
بریزد». (اطلاعات ۲۳/۱۰/۱۳۵۸)
اعلام کرده‌های مقیم مرکز

جمعیت کرده‌های مقیم مرکز با ارسال دو نامه جداگانه بعنوان «آیت‌الله
قدوسی»، دادستان کل انقلاب اسلامی ایران و فرمانده سپاه پاسداران انقلاب
اسلامی، به مطالب مندرج در اعلامیه روابط عمومی سپاه پاسداران جهرم،
شدیداً اعتراض کرد و ضمن اشاره به اینکه درج این مطلب، عفت عمومی و
حمله بیش‌زمانه به قوم کرد است، خواستار تعقیب قانونی و مجازات عاملین
صدور اعلامیه شد.

در اعلامیه جمعیت کرده‌های مقیم مرکز خطاب به فرمانده سپاه پاسداران
آمده است: «محترماً به پیوست فتوکپی اعلامیه‌ای به امضای روابط عمومی
سپاه پاسداران جهرم ارسال میگردد. این اعلامیه صرف‌نظر از اینکه محتوای آن
تماماً دروغ است، برداشت مطالب به شیوه ضد اسلامی و ضد انسانی و
بمنظور برانگیختن احساسات مردم ساده است و علیه مردم کردستان و
آرمانهای حق طلبانه آنان. ما اعتقاد داریم که این قبیل انتشارات نه تنها خدمتی
به انقلاب و وحدت ملی نمی‌کند، بلکه دقیقاً هدف تفرقه و نفاق کنی را دنبال
می‌کند. ما می‌خواهیم عاملین این اقدام مجازات شوند و نتیجه اقدامات فوق به
این جمعیت برسد». جمعیت کرده‌های مقیم مرکز همچنین به آیت‌الله قدوسی
نوشته است: «حضرت آیت‌الله قدوسی، دادستان انقلاب اسلامی ایران، محترماً
به پیوست فتوکپی اعلامیه روابط عمومی سپاه پاسداران جهرم ارسال
می‌گردد، این اعلامیه حاوی مطالبی است که از نظر قانونی و اسلامی، جرم
علیه عفت عمومی و متضمن حمله‌های بیش‌زمانه به قوم کرد است و منظور
نهایی آن، ایجاد تفرقه بین اقوام ایرانی و ضدیت با انقلاب است و تقاضای
تعقیب قانونی عاملین صدور اعلامیه را داریم». (اطلاعات ۹/۱۱/۱۳۵۸)
جمعیت کرده‌های مقیم مرکز: تعویق انتخابات در سنندج تحمیل جنگ مجدد
در کردستان است.

جمعیت کرده‌های مقیم مرکز با انتشار اطلاعیه‌ای تصمیم وزارت کشور مبنی
بر تعویق انتخابات در سنندج را نتیجه درخواست هیات ویژه خواند و از هیات
نماینده‌گی خلق کرد خواست که با مقامات مسوول مملکتی وارد مذاکره شود و
اجازه ندهد که گره کور دیگری در زمینه مذاکرات مربوط به خودمختاری بوجود آید
و اقدام وزارت کشور را مقدمه تصمیماتی خواند که هدف درگیری و تحمیل جنگ
مجدد را به کردستان دنبال می‌کند.

در بخشی از اطلاعیه جمعیت کرده‌های مقیم مرکز آمده است:
دلایلی که آقای صباغیان اعلام کرده‌اند به هیچ‌وجه قابل قبول نیست و
واقعیت این است که پس از تحصن پر شکوه و یکپارچه مردم سنندج و خروج
پاسداران از آن شهر هیچ‌گونه اتفاقی که اطلاق ناامنی بر آن شود، در آنجا
روی نداده است. این جمعیت در پایان اضافه کرد که اقدام به تعویق انتخابات
مقدمه یک سلسله تصمیماتی است که نهایتاً هدف درگیری و تحمیل جنگ
مجدد را به کردستان دنبال می‌کند. (کیهان ۲۳/۱۲/۱۳۵۸)

اطلاعیه جمعیت کرده‌های مقیم مرکز
جمعیت کرده‌های مقیم مرکز با صدور اطلاعیه‌ای، جنگ و برادرکشی را در
کردستان محکوم کرد.

در این اطلاعیه ضمن اشاره، به اظهارات نوروزی رییس جمهوری مبنی بر این‌که: «بعد از نوروز امنیت را در سراسر کردستان برقرار خواهد کرد و حضور نیروهای مسلح را تحمل نخواهد نمود» آمده است: عوامل جنگ‌افروز تدارک یورش سرتاسری جدیدی را به کردستان دیده‌اند که شواهد آن اظهارات و سمپاشی‌های استاندار آذربایجان غربی بر علیه خلق کرد و اعزام ستون‌های نظامی به منطقه و درگیری شدید در دره قاسملو و به آتش کشیدن روستاهای اطراف اشنویه و . . . است.

هموطنان گرامی، اینک ما خواهان آنیم که به ندای ما که ثابت کرده‌ایم هدفی جز تحکیم استقلال آزادی واقعی ایران نداریم گوش فرا دهند. این خلق کرد نیست که جنگ طلب است بلکه عوامل جنگ‌افروز درون رژیم فئودال‌های مرتجع و پس‌مانده‌های رژیم منفور پهلوی است که جنگ ناخواسته دیگری را به خلق کرد تحمیل کرده‌اند.

ما مصراً خواهان آنیم که جلو خون‌ریزی و برادرکشی را بگیرند، جمعیت کردهای مقیم مرکز هرگونه اعمال فشار و قتل و برادرکشی در کردستان را محکوم می‌کند و خواهان حل مسالمت‌آمیز مساله کردستان می‌باشد. (کیهان ۱۰/۱/۱۳۵۹)

در جلسه عمومی کردهای مقیم مرکز گفته شد:

«خلق کرد آماده مقابله با هر قدرت خارجی است»

جلسه عمومی «جمعیت کردهای مقیم مرکز» بعد از ظهر روز پنجشنبه گذشته (۵۹/۱/۲۸) با حضور عده کثیری در محل دانشگاه صنعتی شریف برگزار شد.

در این جلسه، پس از بزرگداشت سالروز شهادت قاضی محمد، صدر قاضی و سیف قاضی و دیگر شهدای کردستان و یادآوری سالروز شهادت ۹ تن از مبارزان و مجاهدین در تپه‌های اوین، یکی از نمایندگان کردهای مقیم مرکز در تحلیلی در مورد اوضاع کردستان، سخنانی ایراد کرد.

وی در قسمتی از سخنان خود گفت: «دولت با تسلیح فئودالها و گسیل ارتش به نواحی مختلف کردستان، به جای جنگ با دولت فاشیستی عراق و آمادگی مبارزه با امپریالیزم آمریکا، قصد تحمیل جنگی دیگر به خلق کرد دارد. سخنرانی‌ها پیاپی فرماندهان ارتش و ژاندارمری برای افسران و سخنرانی‌های رییس جمهور، فقط در جهت توجیه حمله‌ای دیگر به کردستان و فراهم کردن مقدمات دومین جنگ تحمیلی به خلق کرد است.

کشتار مردم بیگناه در «قلاتان» اشنویه یادآور جنایاتی است که صهیونیست‌ها در «دیرپاسین» و عوامل امپریالیزم آمریکا در «میلا» ی ویتنام مرتکب شدند. محاصره اقتصادی روستاها و شهرهای کردستان و قطع ورود مواد غذایی و دارویی و سوخت نیز از عملیات دولت در منطقه کرد نشین است.»

ناطق در جای دیگری از سخنان خود، ضمن انتقاد از حمایت دولت از حزب دمکرات کردستان عراق (قیاده موقت) به نامه‌ای اشاره کرد که روابط اداریس بارزانی با شیخ عثمان نقشبندی رییس «سپاه رزگاری» را نشان میداد و ضمن نشان دادن آن به حضار گفت: «دولت میگوید سپاه رزگاری مزدور عراق و حزب بعث است و ما هم قبلاً آن را فاش کرده‌ایم، ولی چگونه به قیاده موقت که با این عوامل، روابط مستحکم دارند و دست پرورده سیا و ساواک و موساد

اسرائیل هستند کمک می‌کند، چمران آنها را میهمان ایران مینامد و پاسگاه مرزی را علیه عراق در اختیار آنان میگذارد».

ناطق در بخش دیگر سخنرانی خود گفت: «خلق کرد آماده هر نوع مقابله با تجاوز از جانب هر خارجی و مزدوران آن میباشد ولی ارتش بجای استقرار در نواحی مرزی ایران و عراق، به کردستان گسیل شده و قصد جنگ افروزی در کردستان را دارد».

وی آنگاه ضمن اشاره به فقر اقتصادی منطقه افزود: «در حالیکه ثروت مملکت را در اختیار انحصارطلبان قرار داده و همه جا خرج میکنند، منطقه کردنشین را از نقشه ایران خارج کرده و جز تفنگداران و سرکوبگران، چیز دیگری به کردستان نمیدهند. آنها دم از عدم امنیت در کردستان می‌زنند، در حالیکه هر روز بانکها، ادارات و ثروت ملی را در جاهای دیگر غارت می‌کنند. تاکنون، به شهادت روسای بانکها و مسوولان ادارات، چنین عملی در کردستان اتفاق نیافتاده است».

ناطق در پایان سخنان خود، از سوی خلق کرد و جمعیت کردهای مقیم مرکز از خلقهای اسرار ایران برای جلوگیری از آغاز جنگ دیگری در کردستان، استمداد کرد و خواهان جلوگیری از این جنگ و برادرکشی شد. (اطلاعات ۵۹/۱/۳۱)

علیه این توطئه صدای اعتراض خود را بلند کنید.

یک سخنگوی جمعیت کردهای مقیم مرکز در رابطه با انتشار اطلاعیه‌ای حزب دمکرات کردستان در مورد توطئه آغاز کشتار دیگر در منطقه کردنشین گفت: از اول فروردین ماه اخبار متعددی در مورد آغاز جنگ برادرکشی در کردستان به دفتر جمعیت رسیده است و ارتش نیز روز به روز در سراسر شهرها کردستان و نقاط کردنشین تقویت می‌شوند. وی افزود: ما ضمن درخواست از امام خمینی برای جلوگیری از جنگ افروزی عوامل امپریالیسم در کردستان از همه‌ی خلقهای ایران و نیروهای ضد امپریالیستی درخواست می‌کنیم که بر علیه این توطئه صدای اعتراض خود را بلند کنند. (کیهان ۱۳۵۹/۱/۱۶)

نظر جمعیت کردهای مقیم مرکز

یک سخنگو جمعیت کردهای مقیم مرکز در مورد درگیریهای کامیاران به خبرنگار کیهان گفت: بر اساس خبرهای رسیده به جمعیت در این درگیریها ۸ نفر کشته شده و تنها یک پیشمرگ زخمی شده است و همچنین گفته می‌شود که پیشمرگان کرد عده‌ای را نیز دستگیر کرده‌اند.

در رابطه با درگیریهای کامیاران، خبرگزاری پارس در سنندج گزارش داده: در جریان پیشروی پاسداران به طرف سنندج در نزدیکی روستای (باخله) در چهار کیلومتری کامیاران به علت مقاومت افراد پیشمرگ دمکرات، فدایی دسته‌ی زحمت‌کشان و پیکار و کومله زد و خوردی روی داد.

بنا به اظهار سخنگوی از گروههای سیاسی مستقر در سنندج که این خبر را اعلام کرده‌اند پاسداران و پیشمرگان مسلمان ابتدا توانسته بودند دکل تلویزیون روستای توان‌کش را به تصرف خود درآورند. ولی دکل پس از مدتی به دست پیشمرگان کرد افتاد. بنا به اظهار نمایندگان گروههای سیاسی مستقر در سنندج چند تانک که مشغول پیشروی بودند با مقابله پیشمرگان مواجه شدند که در این درگیری یک تانک منهدم شده است.

سخنگوی کومله نیز گفت: در این درگیری پیشمرگان مسلمان و پاسداران از توپ و تانک و مسلسل، کالیبر ۵۰ استفاده کرده و در اواخر نظام توسط هلی کوپتر نیز حمایت شده‌اند. یک سخنگوی دفتر چریک‌های فدایی خلق در سنندج در ساعت ۱۲/۳۰ به خبرنگار خبرگزاری پارس در سنندج اظهار داشت که پیش از ظهر دیروز در نزدیکی لاین واقع در راه کامیاران در سنندج یک لندرو توسط یک فروند هلی کوپتر به گلوله بسته شد و یک پیشمرگ کوله در این تیراندازی زخمی شد. و افزود: هم اکنون (بیش از ظهر دیروز) عبور مرور در راه کرمانشاه - کامیاران - سنندج انجام می‌گیرد. (کیهان ۱/۱۶/۱۳۵۹)

اطلاعیه

در زمینه فعل و انفعالات تازه ارتش در منطقه غربی کشور جمعیت کردهای مقیم مرکز با انتشار اطلاعیه‌ای خاطر نشان کرد که ارتش به کلیه مناطق کردنشین گسیل شده و هلی کوپترهای ارتش که حامل نظامیان بوده، مورد اعتراض مردم بانه و سنندج قرار گرفته است. در این اطلاعیه اضافه شده است: همه این شرایط در حالی صورت می‌گیرد که سپاه رزگاری که مستقیماً از رژیم فاشیستی بعثی حاکم بر عراق اسلحه می‌گیرد، کلاشینکفهای خود را در اختیار مردم اورامانات و ژاوارو قرار می‌دهند این دو منطقه به خصوص اورامانات و پاوه در کنترل پاسداران و افراد سازمان به اصطلاح پیشمرگان مسلمان کرد می‌باشد و آن‌ها با وجود این کمک‌ها که از طرف بعثی‌ها به سپاه رستگاری می‌شود، از توزیع اسلحه توسط این سپاه بین مردم اورامانات و پاوه جلوگیری نمی‌کنند و در مواردی که نیروهای سیاسی برای خلع سلاح سپاه رزگاری اقدام کرده‌اند، سپاه پاسداران و سازمان با اصطلاح پیشمرگان مسلمان کرد از سپاه رزگاری دفاع کرده‌اند.

جمعیت کردهای مقیم مرکز همچنین در اطلاعیه خود اشاره به اعتراضات قبلی گروه‌های سیاسی به تقویت قیاده موقت از سوی دولت کرد و خاطر نشان ساخت که اخیراً نامه «ادریس بارزانی» رهبر قیاده موقت (حزب دمکرات کردستان عراق) از سوی نیروهای سیاسی مخالف دولت بعثی عراق و قیاده موقت منتشر شده که در آن ادریس بارزانی از شیخ عثمان نقشبندی عامل فراری ساواک به عراق پشتیبانی کرده است. (کیهان ۱/۱۸/۱۳۵۹)

تلفات درگیریهای سنندج

شدت درگیریهای سنندج که از چند روز پیش آغاز شده است، در ۲۴ ساعت گذشته نیز ادامه یافت و در ادامه این برخوردها، تلفاتی به طرفین درگیر، وارد آمد. شهر سنندج بوی خون و باروت گرفته و شهر از نظر مواد مصرفی سخت در مضیقه است. بر اساس این گزارشها، سنندج در محاصره و کنترل ارتش و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران است. دیروز در رابطه با تشدید درگیریها در کردستان به ویژه سنندج، کردهای مقیم مرکز، در بیانیه ای برای مداوای زخمی‌ها، درخواست کمک کردند. در بیانیه جمعیت کردهای مقیم مرکز آمده است: از یک هفته پیش دو شهر سنندج و سقز، مورد حمله قرار گرفته است. در این بیانیه ضمن اعتراض به جنگ در کردستان، از نیروهای درگیر خواسته شده است از کمک رسانی پزشکی به مجروحین و کشته شدگان و زیر اوار ماندگان بیدفاع شهرها و روستاها، ممانعتی نکنند و گروه امداد پدر طالقانی را همراهی کنند. (اطلاعات ۲/۷/۱۳۵۹)

استمداد جمعیت کردهای مقیم مرکز

جمعیت کردهای مرکز نیز با انتشار اطلاعیه کوتاهی ضمن اعتراض به جنگ تحمیلی و خانمان سوز کردستان از نیروهای ارتش خواست از کمک‌رسانی پزشکی به مجروحین و کشته‌شدگان و زیرآوارماندگان بی‌دفاع شهرها و روستاها ممانعتی به عمل نیارد و بر خلاف سنت اسلامی امداد رسانی پزشکی به کردستان را مورد حمله قرار ندهند و گروه امدادرسانی شیروخورشید سرخ ایران و کمیته امداد پدر طالقانی را همراهی کنند.

این جمعیت در اطلاعیه دیگری ضمن شرح جریان حادثه از گروه‌های مترقی و سازمان‌های مختلف استمداد برای رسیدگی به وضع سنندج نموده است و خاطرنشان نموده است که تاکنون ۲۵۰ نفر کشته شده‌اند. (کیهان ۱۳۵۹/۲/۸)

اعتراض

جمعیت کردهای مقیم مرکز طی اطلاعیه‌ای به جلوگیری از ارسال دارو و شیر خشک برای سنندج توسط پاسداران اعتراض کردند و اعلام کردند که حاملین داروها بازداشت شده‌اند که تاکنون از سرنوشت آنها اطلاعی در دست نیست این جمعیت خواستار اعلام دلایل جلوگیری از ارسال دارو و بازداشت حاملین آن شدند. (کیهان ۱۳۵۹/۲/۲۳)

اعلام آتش‌بس برای ابراز حسن نیت

سخنگوی جمعیت کردهای مقیم مرکز صبح در تماسی با کیهان اعلام کرد: سازمان‌های شرکت‌کننده در هیات نمایندگی خلق کرد برای نشان دادن حسن نیت و آمادگی خود در حل مسالمت‌آمیز مساله کردستان روز پنج‌شنبه گذشته اعلام آتش‌بس کردند. هیات همچنین اعلام کرد که آتش‌بس در صورتی قابل اجرا است که رییس‌جمهور به عنوان فرمانده کل قوا نیز به ارتش و پاسداران و ژاندارمری کل کشور آتش‌بس اعلام کرده و این موضوع برای اطلاع همه دم از رادیو و تلویزیون پخش شود.

حزب دمکرات کردستان ایران، سازمان چریک‌های فدایی خلق شاخه کردستان و کومله، هر سه این بیانیه را امضا کردند و از رییس‌جمهور خواستند یک هیات مورد اعتماد طرفین تعیین شود تا بر آتش‌بس نظارت کنند (کیهان ۱۳۵۹/۲/۲۷)

